

## گزارش حقوق بشر ایران سال ۲۰۱۹

### خلاصه اجرایی

جمهوری اسلامی ایران یک جمهوری دین سالار مستبد با یک نظام سیاسی اسلامی شیعی مبتنی بر ولایت فقیه (قیمومت فقها) است. روحانیون شیعه، بویژه رهبر و رهبران سیاسی که صلاحیت آنها از سوی روحانیون تعیین می شود بر ساختارهای اصلی قدرت تسلط دارند. مقام رهبری در راس حکومت است. اعضای مجلس خبرگان مستقیماً در انتخابات عمومی برگزیده می شوند. مجلس خبرگان هم رهبر را انتخاب و هم می تواند او را عزل کند. اما صلاحیت نامزدان مجلس خبرگان از سوی شورای نگهبان (در ذیل ملاحظه کنید) تعیین می شود و از این رو غیرمستقیم از سوی رهبر برگزیده می- شوند. آیت الله علی خامنه‌ای از سال ۱۹۸۹ مقام رهبری را به عهده داشته است. او از طریق شوراهای غیرمنتخب تحت اقتدار خود مستقیماً یا غیر مستقیم قوه مقننه و مجریه را کنترل می کند. رهبر از اقتدار قانون اساسی برای تسلط بر قوه قضائیه، رسانه‌های دولتی و دیگر نهادهای اصلی برخوردار است. گرچه راهکارهایی برای انتخابات عمومی، برای انتخاب رئیس جمهور که رئیس دولت است و برای مجلس شورای اسلامی (پارلمان یا مجلس) وجود دارد، اما شورای نگهبان غیر منتخب که صلاحیت نامزدها را بررسی می کند، مرتباً صلاحیت آن‌ها را بر اساس ملاحظات سیاسی و دیگر ملاحظات رد می کند و در نتیجه روند انتخابات را کنترل می کند. مقام رهبری نیمی از ۱۲ عضو شورای نگهبان را منصوب می کند، در حالی که نیم دیگر از سوی رئیس قوه قضائیه (که خود از سوی رهبر برگزیده می شود) منصوب می شوند. انتخابات مجلس در ۲۰۱۶ و انتخابات ریاست جمهوری در ۲۰۱۷ آزاد و منصفانه نبودند.

رهبر از اقتدار کامل بر تمامی سازمان‌های امنیتی برخوردار است. چند سازمان مسئولیت مشترک در اجرای قانون و حفظ نظم دارند، از جمله وزارت اطلاعات و امنیت و نیروهای مجری قانون تحت وزارت کشور که به رئیس جمهور گزارش می دهد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مستقیماً به رهبر گزارش می دهد. بسیج، گروه داوطلبان شبه نظامی با سازمان‌های محلی در سراسر کشور، گهگاه تحت فرماندهی نیروهای زمینی سپاه پاسداران به عنوان واحد کمکی اجرای

قانون عمل می‌کند. سپاه پاسداران و ارتش ملی دفاع از مرزها را به عهده دارند. مقام‌های غیر نظامی کنترل کامل بر نیروهای امنیتی دارند.

در واکنش به اعتراض‌های گسترده که از 15 نوامبر پس از افزایش بهای سوخت آغاز شد، دولت تقریباً تمامی ارتباطات محلی و بین‌المللی را برای یک هفته قطع کرد و نیروهای امنیتی از نیروی مهلک برای سرکوبی اعتراض‌ها استفاده کرد و بنا به گزارش رسانه‌های بین‌المللی بیش از 1500 نفر را کشتند و 8600 نفر را بازداشت کردند. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که نهادهای دولتی در پی تحقیقات مستقل یا بیطرفانه در باره کشتار معترضان بوده باشند.

موارد عمده نقض حقوق بشر بشرح زیر است: اعدام‌ها برای جرائمی که بر اساس موازین حقوقی بین‌المللی "شدیدترین جرائم" محسوب نمی‌شوند و اعدام افراد از جمله متخلفان نوجوان بدون برگزاری محاکمات عادلانه، گزارش‌های بیشمار از کشتارهای غیرقانونی و خودسرانه، ناپدید شدن قهری و شکنجه توسط ماموران حکومت، همچنین استفاده مستمر از بازداشت‌ها و حبس‌های خودسرانه، شرایط دشوار و خطرناک زندان‌ها، صدها زندانی سیاسی؛ دخالت‌های غیرقانونی در زندگی خصوصی، مشکلات عمده در رابطه با استقلال قوه قضایی، به ویژه دادگاه‌های انقلاب، محدودیت‌های شدید در ارتباط با آزادی بیان، مطبوعات و اینترنت از جمله خشونت، تهدید به خشونت و بازداشت‌های غیر قابل توجیه و تضییقات علیه خبرنگاران، سانسور، مسدود کردن وب‌سایت‌ها، جرم‌انگاری انتقاد، مداخله اساسی در حق تجمعات صلح‌آمیز و آزادی تشکل، از قبیل محدود ساختن بیش از اندازه قوانین مرتبط با سازمان‌های غیردولتی (ان‌جی‌او)؛ محدودیت شدید آزادی مذهب؛ محدودیت‌ها در مشارکت سیاسی از طریق تایید خودسرانه صلاحیت داوطلبان انتخاباتی؛ فساد گسترده در تمامی سطوح حکومت؛ عضوگیری غیرقانونی کودک سربازان از سوی نیروهای حکومتی برای حمایت از رژیم اسد در سوریه، قاچاق انسان‌ها، خشونت علیه اقلیت‌های قومی، محدودیت‌های شدید بر حقوق زنان و اقلیت‌ها؛ جرائم مرتبط با خشونت یا تهدید به خشونت علیه همجنس‌گرایان زن؛ همجنس‌گرایان مرد، همجنس‌گرایان،

دگرباشان و اشخاص تراجنسی، جرم انگاری وضعیت و رفتار دگرباشان و غیرقانونی ساختن اتحادیه های مستقل کارگری.

به رغم فراخوان های مکرر از سوی جامعه بین المللی، از جمله سازمان ملل متحد، دولت هیچ گونه اقدام موثری در ارتباط با انجام تحقیقات، پیگرد قانونی، مجازات و یا پاسخگو ساختن مقاماتی که مرتکب تمامی موارد نقض حقوق بشر شدند انجام نداد که بسیاری از این موارد تحت عنوان سیاست دولت صورت گرفته بود. مصونیت از پاسخگویی همچنان تمام سطوح دولت و نیروهای امنیتی را در بر می گرفت.

مقامات دولتی با کمک مادی خود به نقض حقوق بشر در سوریه از طریق پشتیبانی نظامی از بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه و نیروهای حزب الله نقش داشتند؛ در عراق از طریق کمک به گروه های شبه نظامی مورد حمایت ایران؛ و در یمن از طریق حمایت از شورشیان حوثی که شهروندان و زیرساخت های شهری در یمن و عربستان سعودی را هدف قرار داده اند.

**بخش ۱ . احترام به شان انسان، از جمله آزادی از:**

**a. محروم ساختن خودسرانه از حق حیات، و دیگر کشتارهای غیرقانونی یا با انگیزه های**

**سیاسی**

طبق گزارشها، دولت و عواملش مرتکب کشتارهای خودسرانه غیرقانونی شدند، غالباً اعدام پس از بازداشت و محاکمه بدون طی مراحل قانونی، یا بازداشت برای جرائمی که بر اساس موازین حقوقی بین المللی "شدیدترین جرائم" محسوب نمی شوند. رسانه ها و گروه های حقوق بشر نیز مرگ های مشکوکی را در حین بازداشت یا در پی مضروب ساختن معترضان توسط نیروهای امنیتی در طول سال ثبت کردند.

به گزارش رویترز، در ۲۳ دسامبر مقام رهبری به نیروهای امنیتی دستور داد برای پایان دادن به چندین روز اعتراض ها علیه افزایش بهای سوخت در ۱۵ نوامبر "هر چه لازم است" انجام دهند. بر اساس گزارش رویترز به نقل از چهار مقام دولتی که نامشان فاش نشد نیروهای امنیتی در واکنش به تظاهرات تقریباً ۱۵۰۰ نفر را در سراسر کشور کشتند. عفو بین الملل در گزارش ۱۶ دسامبر خود به دست کم ۳۰۴ نفر اشاره کرد که توسط نیروهای امنیتی در تظاهرات کشته شدند. بنا به گزارش ها، مأموران از اسلحه گرم، ماشین آب پاش، گاز اشک آور و تک تیراندازها علیه تظاهرات اساساً مسالمت آمیز استفاده کردند. رسانه ها و سازمان های غیر دولتی به نقل از شهردار گزارش دادند که در یکی از این موارد در شهر ماهشهر، نیروهای سپاه پاسداران بیش از ۱۰۰ معترض را که در مردابی پناه گرفته بودند به ضرب گلوله کشتند. مقامات معترضان را که پیشتر در یک شهر در مجاورت ماهشهر تظاهرات کرده بودند با توسل به خشونت متفرق کرده بودند. تا ۲۶ دسامبر، هیچ نشانه ای وجود نداشت که مقامات به تحقیقات بی طرفانه درباره مرگ این معترضان، یا کلا، درباره توسل به خشونت از سوی مجریان قانون مبادرت کرده باشند. مقامات دولتی مدعی شدند شمار تلفات در گزارش رسانه های بین المللی و سازمان های غیردولتی «اخبار جعلی» بود.

در ژوئن، عفو بین الملل خواستار تحقیقات درباره مرگ مشکوک بنیامین البوغبیش، یک عرب اهوازی ۲۸ ساله، از سوی مقامات شد که در بازداشتگاهی در اهواز که گفته می شود در کنترل سپاه پاسداران است زندانی بود. مقامات در ابتدا البوغبیش را به همراه برادر و مادرش به مدت چند ماه از مارس ۲۰۱۸ به اتهامات امنیتی نامشخص بازداشت کرده بودند. هر سه آن ها بار دیگر در ۲۶ مه بازداشت شدند و بنا به گزارش ها سپاه پاسداران در ۲۶ ژوئن خانواده البوغبیش را از مرگ او مطلع کرد. هیچ گونه اطلاعاتی حاکی از تحقیقات در باره علت مرگ البوغبیش وجود ندارد.

بر اساس سازمان ناظران بین المللی حقوق بشر، دادگاه های انقلاب کماکان به صدور اکثریت احکام اعدام ها ادامه دادند و محاکمات بدون مراحل قانونی صورت گرفته اند. در روند تحقیقات

## ایران

از حضور وکلای حقوقی جلوگیری شده بود و در اکثر پرونده ها هیچ گونه مدارکی به جز اعترافات مد نظر قرار نمی گرفت که بنا به گزارش ها اغلب زیر شکنجه از افراد گرفته می شود. قضات می توانند در مرحله تجدید نظر حکم اعدام صادر کنند تا متهمان در پرونده های جنائی از درخواست تجدید نظر منصرف شوند. بر اساس گزارش سازمان غیردولتی موسوم به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دولت شمار دقیق اعدام شدگان را اعلام نمی کند و بیش از ۶۰ درصد از اعدام ها مخفی نگاه داشته می شود. تا ۱۱ دسامبر، به گزارش سازمان های غیر دولتی، از جمله مرکز اسناد حقوق بشر ایران و مرکز عبدالرحمن برومند، در طول سال بیش از ۲۰۰ اعدام صورت گرفت در حالی که دولت رسماً اعلام کرد در این مدت تنها ۶۲ اعدام صورت گرفته بود. دولت اغلب اطلاعات بیشتری اعلام نمی کند، از قبیل نام اعدام شدگان، تاریخ اعدام ها یا جرائمی که علت مجازات اعدام بوده.

قانون مجازات اسلامی اعدام متخلفان نوجوان را از ۹ سالگی در مورد دختران و از ۱۳ سالگی در مورد پسران مجاز می شمارد که سن بلوغ محسوب می شود. دولت همچنان افرادی را اعدام می کند که برای ارتکاب به جرائمی قبل از ۱۸ سالگی محکوم شده بودند. به گزارش عفو بین الملل، مقامات در سال ۲۰۱۸ هفت نفر را اعدام کردند که در زمان ارتکاب به جرائم ادعایی کودک بودند. در ماه مه، حقوق بشر سازمان ملل متحد نگرانی عمیق خود را در باره نزدیک به ۹۰ نفر اعلام کرد که برای ارتکاب به تخلفات ادعا شده قبل از ۱۸ سالگی در انتظار اجرای حکم اعدام بودند.

در ماه مه، طبق گزارش های گسترده در رسانه ها و سازمان های غیردولتی، مقامات در زندان عادل آباد شیراز مخفیانه مهدی سهرابی فر و امین صداقت، دو زندانی ۱۷ ساله را اعدام کردند. طبق گزارش ها، مقامات آن دو را در سال ۲۰۱۷ در ۱۵ سالگی به اتهامات متعددی از جمله تجاوز به عنف بازداشت کرده بودند. بر اساس گزارش ها یک دادگاه این دو نوجوان را در یک محاکمه "کاملاً ناعادلانه" محکوم کرد و آن ها را پیش از اعدام، شلاق زدند.

طبق گزارش های سازمان های حقوق بشر و رسانه ها، دولت کماکان به اجرای حکم اعدام از طریق شکنجه ادامه می دهد، از جمله با استفاده از جرثقیل. زندانیان را از گردن با جرثقیل از زمین بلند می کنند و آن ها تدریجا از خفگی می میرند. به علاوه، سنگسار هنوز مجازات زنا است، البته طبق سازمان غیردولتی عدالت برای ایران، مقامات استانی از سال 2011 دستور دادند اطلاعات علنی در باره احکام سنگسار منتشر نشود.

گرچه بنا به گزارش ها در طول سال اکثر موارد اعدام به اتهام ارتکاب قتل بود، اما قانون حکم اعدام را در موارد دیگر نیز مجاز می شمارد، از جمله، "اقدام علیه امنیت کشور"، "اهانت به مقامات عالیرتبه"، محاربه (که تعبیرهای گسترده متعددی دارد، از جمله "محاربه با خدا")، "مفسد فی الارض" (تباه کاری بر روی زمین، از جمله شرک و ارتداد)، تجاوز به عنف، زنا، کسی که سابقه مصرف مشروبات الکلی دارد، رابطه جنسی مرضی الطرفین بین دو همجنس (لواط)، و "اهانت به امام خمینی" و به مقام رهبری جمهوری اسلامی.

دادستان ها مکررا از اتهام "محاربه با خدا" به عنوان تخلف مستحق اعدام علیه ناراضیان سیاسی و خبرنگاران استفاده کردند و آن ها را به "مقابله با مبانی اسلام" و علیه حکومت متهم می کنند که از آن مبانی پاسداری می کند. مقامات حدود این اتهام را گسترش دادند تا شامل "اقدام به براندازی نظام حکومت اسلامی" و "تبانی با عاملان یا نهادهای خارجی" شود.

قوه قضائیه موظف به بررسی و تایید احکام اعدام است.

در 17 آوریل، یک دادگاه تجدید نظر حکم آزادی محمد علی طاهری، رهبر و بنیانگذار گروه معنوی عرفان کیهانی و عرفان حلقه را صادر کرد. او دوبار به اعدام محکوم شده بود. در 24 آوریل، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضایی اظهار داشت تمامی احکام در پرونده طاهری لغو شده است اما او در ارتباط با جرائم مطرح شده "هنوز تحت محدودیت های قانونی و اجتماعی" قرار دارد. طاهری در مدت زندان از سال 2011، اکثرا در سلول انفرادی بود. او در

سال 2011 به اتهام "اهانت به مقدسات" به پنج سال زندان محکوم شد و سپس در 2015 به اتهام "مفسد فی الارض" به اعدام محکوم شد، و یکبار دیگر نیز در 2017 به اعدام محکوم شد.

تا نوامبر، شمار کل اعدام ها در مقایسه با سال های قبل پایین تر بود که گفته می شود به علت تصویب اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر در سال 2017 بود که شرایط برای صدور احکام اعدام در تخلفات مرتبط با مواد مخدر را تغییر داد. طبق قانون اصلاحی، حکم اعدام برای داشتن، فروش یا حمل حدودا بیش از 50 کیلوگرم مواد مخدر طبیعی مانند تریاک یا حدودا بین 2 تا 3 کیلوگرم مواد مخدر تولید شده مانند هروئین یا کوکائین صادر می شود. تحت قانون قبلی حکم اعدام در تخلفات مشابه برای کمی بیش از 5 کیلوگرم مواد مخدر طبیعی و دویست گرم مواد مخدر تولید شده صادر می شد. اما، حکم اعدام هنوز در مورد تخلفات مرتبط با مواد مخدر برای مقادیر کمتری از مواد مخدر صادر می شود در صورتی که جرم با استفاده از سلاح یا استفاده از خردسالان صورت گرفته باشد و یا متخلف در راس یک گروه قاچاقچیان باشد یا پیشتر به جرائم مرتبط با مواد مخدر محکوم شده باشد و حکم زندان بیش از 15 سال گرفته باشد.

گروههای تروریستی نیز در طول سال کشتارهایی را مرتکب شدند. براساس گزارش رسانه های دولتی و بین المللی در 13 فوریه یک اقدام انتحاری اتوبوس حامل پرسنل سپاه پاسداران در استان سیستان و بلوچستان، نزدیک مرز پاکستان را هدف قرار داد. انفجار بمب 27 تن از نیروهای سپاه پاسداران را کشت و 13 تن دیگر را زخمی کرد. جیش العدل یک گروه شبه نظامی سنی مسئولیت این بمبگذاری را پذیرفت.

## **b. ناپدید شدن افراد**

بنا به گزارش هایی مواردی از آدم ربایی ها با انگیزه سیاسی توسط مقام های حکومتی در طول سال وجود داشت. مقام های لباس شخصی خبرنگاران و فعالان را بدون حکم قانونی توقیف کردند

## ایران

و مقام های دولتی از اعلام بازداشت و یا ارائه اطلاعات در باره آن ها خودداری کردند. در بیشتر موارد دولت هیچ اقدامی برای ممانعت، تحقیقات یا مجازات چنین رفتاری انجام نداد.

در ژوئیه، عفوبین الملل گزارش داد مقام ها بازداشتی ها را بدون حق ملاقات در زندان نگهداشتند و همچنین با حبس های انفرادی طولانی مدت و تهدید علیه اعضای خانواده های مدافعان حقوق زنان که برای کمپین علیه حجاب اجباری بازداشت شده بودند، آن ها را وادار به اعترافات ویدیویی می کردند. عفوبین الملل پرونده صبا کردافشاری را به این علت که دولت سرنوشت و محل بازداشت او را برای 12 روز از خانواده اش مخفی نگاه داشت برجسته کرد. در 27 اوت، یکی از دادگاه های انقلاب کردافشاری را برای اعتراض به حجاب اجباری به 24 سال زندان محکوم کرد.

در ژوئیه، ایران وایر، سازمان گزارشگر حقوق بشر، در باره پرونده حامد رضوانی گزارش داد. او یک بهایی، معلم و موسیقی دان است که در دسامبر 2018 خانه اش را در اصفهان ترک کرد و از سرنوشت او از آن زمان خبری در دست نیست. درخواست های مکرر از سوی خانواده او برای کسب اطلاعات از پلیس و ماموران اطلاعاتی محلی هیچ گونه اطلاعاتی در باره ناپدید شدن او به نتیجه نرسید. طبق ایران وایر، ماموران وزارت اطلاعات همچنین به این بهانه که رضوانی با تبلیغ برای آیین بهایی "تبلیغات علیه رژیم" انجام داده بود در سال 2016 به خانه رضوانی هجوم بردند؛ او 21 روز بازداشت شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود.

### c. شکنجه و دیگر رفتار ها یا مجازات های بیرحمانه، غیرانسانی یا اهانت آمیز

گرچه بر اساس قانون اساسی تمامی اشکال شکنجه "به منظور اعتراف یا کسب اطلاعات" ممنوع است، استفاده از شکنجه جسمانی یا روحی برای وادار کردن افراد به اعتراف کماکان متداول است، به ویژه در طول بازداشت و قبل از محاکمه. گزارش های موثقی وجود داشت که نیروهای امنیتی و زندانبان ها در طول سال بازداشت شدگان و زندانبانان را شکنجه می کردند.



## ایران

مصونیت نیروهای امنیتی همچنان به عنوان مشکلی مطرح است. گروه های حقوق بشر مکرراً نیروهای امنیتی دولتی و شبه نظامی از قبیل بسیج را متهم به نقض حقوق بشر در موارد بیشماری کردند، از جمله اعمال خشونت علیه معترضان در تظاهرات عمومی. طبق اظهارات عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، دادستان کل کشور برای تحقیقات در باره تخلفات نیروی امنیتی و مجازات آن ها مسئولیت دارد اما آیین دادرسی شفاف نیست و گزارش های معدودی از اقدامات دولت برای مجازات متخلفان وجود داشت.

طبق گزارش ها روش های متداول گزارش شده از شکنجه و تخلفات در زندان شامل تهدید به اعدام یا تجاوز به عنف، معاینات اجباری باکرگی و "لواط"، محرومیت از خواب، شوک برقی، از جمله شوک به آلت تناسلی، سوزاندن، قرار دادن زندانیان در وضعیت جسمانی تحت فشار، و ضرب و شتم شدید و مکرر.

سازمان های متعدد حقوق بشری بارها به برخی از زندان های برای استفاده از شکنجه بیرحمانه و طولانی مخالفان سیاسی اشاره کردند، از جمله زندان اوین در تهران و زندان رجائی شهر در کرج، بویژه بندهای ۲۰۹ و دو در زندان اوین که گفته می شود تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

سازمان های حقوق بشر، از جمله، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، در باره این اظهارات گزارش دادند که در اواخر 2018، ماموران وزارت اطلاعات اسماعیل بخشی، فعال کارگری و نماینده اصلی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان، خبرنگار و فعال حقوق بشر را شکنجه دادند. بخشی و قلیان هر دو وادار به اعتراف شدند که تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی آن را پخش کرد. مقامات هر دو را در دسامبر 2018 آزاد کردند.

در 4 ژانویه، بخشی در یک پست اینستاگرام اظهار داشت که در طول 24 روز بازداشت پس از دستگیری در نوامبر 2018، شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود. او با اشاره به ماموران وزارت اطلاعات گفت، "آن ها مرا شکنجه دادند و با مشت و لگد کتک زدند تا بمیرم. آن ها به

گزارش و کارکرد حقوق بشر کشور در سال 2019

وزارت امور خارجه ایالات متحده - دفتر دموکراسی، حقوق بشر و کار

حدی مرا کتک زدند که تا 72 ساعت نتوانستم در سلولم تکان بخورم... من مثل موش آب کشیده شدم. دست هایم هنوز می لرزد. هنوز دچار وحشت زدگی می شوم." قلیان گفت، شاهد بود ماموران بخشی را هنگام بازداشت که در زمان اعتراض برای حقوق معوقه همکارانش در هفت تپه صورت گرفت، شدیداً کتک زدند. به رغم درخواست ها برای تحقیقات در پی افشاگری بخشی، هیچ کس مسئول شناخته نشد. در 20 ژانویه، بخشی و قلیان بار دیگر بازداشت شدند. بی بی سی فارسی ویدیویی از قلیان که قبل از دومین بازداشتش ضبط شده بود پخش کرد که می گوید مقام ها او را با کابلی کتک زدند تا اعتراف کند که در "پی سرنگونی حکومت و سوءاستفاده از درخواست های کارگران در ایران" بود. بنا به گزارش ها مقامات در 30 اکتبر بخشی و قلیان را با وثیقه غیرمعمول بسیار بالایی معادل حدود سه میلیارد ریال آزاد کردند. مقامات بار دیگر قلیان را در 17 نوامبر برای شرکت در تظاهرات علیه بهای سوخت بازداشت کردند (به بخش 1.a نگاه شود) و او را در 3 دسامبر با وثیقه دو میلیارد ریالی (47 هزار دلار) آزاد کردند. طبق یک گزارش از سوی فعالان هفت تپه در بخش پیام دهی اینستاگرام، یک دادگاه استیناف در 14 دسامبر بخشی و قلیان و پنج نفر دیگر را به پنج سال زندان محکوم کرد. آن ها تا 16 دسامبر برای سپری کردن محکومیت خود دوباره بازداشت نشده بودند.

سازمان های غیر دولتی گزارش دادند که ماموران عمدتاً شیعه در زندان در اردبیل زندانیان سنی را به دلیل باورهای دینی شکنجه دادند. بنا به گزارش ها ماموران همچنین علیه زندانیان به دلایل "مسائل امنیتی" که در نقاط دیگر کشور رخ داد انتقامجویی کردند. بر اساس گزارش ها، شکنجه در زندان اردبیل شامل کتک زدن شدید، بستن به میله پرچم به مدت طولانی و اجبار به تماشای اعدام دیگر زندانیان بود.

همچنین گفته شد که زندان ها و بازداشتگاه های غیررسمی و مخفی دیگری خارج از سازمان زندان های کشور وجود داشتند که بد رفتاری و سایر تخلفات در آن ها رخ داد.

تنبیه‌های بدنی با مجوز مقامات قضائی ادامه داشت. این تنبیهات شامل شلاق، بستن زندانی‌ها، سنگسار، و قطع اندام بود که دولت از اجرای آن‌ها به عنوان "تنبیه" دفاع می‌کند و نه شکنجه. دستکم مجازات 148 جرم شلاق است و 20 جرم مشمول قطع عضو می‌شود.

طبق گزارش‌های رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، در اکتبر مقامات در مازندران دست یک مرد زندانی به اتهام سرقت را قطع کردند. طبق گزارش یک رسانه در ماه مه، 23 زندانی محکوم به سرقت و زندانی در زندان تهران بزرگ در انتظار قطع دستشان بودند. به گزارش رسانه دولتی محمد جعفر منتظری دادستان کل اظهار می‌کند که فشار بین‌المللی موجب کاهش احکام قطع عضو در کشور شده بود.

در اوت، عفوبین الملل گزارش داد که مقامات پیمان میرزا زاده، خواننده کرد و زندانی سیاسی را در 28 ژوئیه شلاق زدند و طبق این گزارش، مقامات میرزا زاده را به علت محکومیت برای نوشیدن مشروبات الکلی و "اهانت به مقدسات اسلامی" 100 ضربه شلاق زدند. ضربات شلاق که عفوبین الملل آن را "مجازات بیرحمانه غیرقابل وصف" نامید میرزا زاده را متحمل دردی عذاب‌آور با پشت و پاهای متورم مواجه کرد.

در ماه مه، پریسا رفیعی، دانشجوی دانشگاه تهران در نامه سرگشاده‌ای مدعی شد که پس از بازداشت برای شرکت در اعتراض‌های خیابانی یک بازجو او را برای "آزمایش باکره‌گی" به پزشکی قانونی فرستاد. گفته می‌شود پس از آن که رفیعی گفت شکایت خواهد کرد، بازجو از این آزمایش منصرف شد.

مجازات‌های فراقانونی توسط مقامات در ارتباط با تحقیر علنی آن‌هایی که به تخلف متهم بودند نیز در طول سال مکرراً گزارش شد. دولت مستمرا این افراد را مجبور به اعترافات ویدیویی کرد که دولت بعداً آن‌ها را از تلویزیون پخش کرد. در 19 ژانویه، یکی از کانال‌های تلویزیون دولتی

"مستندی" را در باره یک فعال کارگری در کشور پخش کرد که شامل "اعترافات" ویدیویی چند فعال کارگری شناخته شده بود. دو نفر از این فعالان گفتند اعترافات به زور گرفته شد.

### شرایط زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها

شرایط زندان‌ها به علت کمبود غذا، ازدحام زندانیان، بد رفتاری و سوءاستفاده جسمی و عدم نظافت کافی و مراقبت پزشکی دشوار و تهدید کننده بود. اعتصاب غذای زندانیان برای بد رفتاری با آن‌ها مکرراً رخ می‌داد.

شرایط فیزیکی: مشکل ازدحام در زندان‌ها ادامه دارد و بسیاری از زندانیان مجبورند روی زمین یا راهرو ها و یا حیاط زندان بخوابند. بنا به گزارش یک رسانه محلی، اصغر جهانگیر، رئیس سازمان زندان‌ها شمار زندانیان را دویست و پنجاه هزار نفر برآورد کرد که در 20 سال گذشته سه برابر افزایش نشان می‌دهد.

گزارش‌هایی از مرگ زندانیان در حبس و خشونت بین زندانیان وجود داشت که مقامات برخی از اوقات در کنترل آن قصور کردند. در ژوئن، مرکز اسناد حقوق بشر ایران گزارش داد که یک زندانی، علیرضا شیر محمد علی، زندانی سیاسی را در زندان مرکزی تهران بزرگ به ضرب چاقو به قتل رساند. شیرمحمد علی حبس محکومیت هشت ساله خود را برای مطالبی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرده بود می‌گذراند. او به علت هم بند بودن با زندانیان محکوم به جرائم جنایی اعتراض کرده بود؛ قانون ایجاب می‌کند که زندانیان بر حسب نوع جرائم و زمان محکومیت (به ذیل نگاه شود) از یکدیگر جدا باشند. مقامات آن زندانی قاتل را تحت پیگرد قانونی قرار دادند اما هیچ شواهدی وجود ندارد که کسی از مقامهای رسمی زندان مسئول شناخته شده باشد.

بر اساس گزارش ایران وایر و گروه‌های حقوق بشر ماموران زندان هم زندانیان سیاسی و هم غیرسیاسی را در هجوم به بندهای زندان کتک می‌زنند، زندانیان را برهنه در مقابل دیگر

زندانیان تجسس می کنند، و خانواده‌های زندانیان را تهدید می کردند. طبق گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر "هرانا"، ماموران زندان، با زندانیان سیاسی بد رفتاری بیشتری می کنند.

مقامات زندان‌ها اغلب از ارائه مراقبت‌های پزشکی برای زندانیانی که مبتلا به بیماری‌های از پیش موجود، جراحاتی که زندانیان به دست مقامات زندان متحمل شدند یا بیماری‌های ناشی از شرایط نامطلوب بهداشتی مبتلا شده بودند امتناع می ورزیدند. به گزارش سازمان‌های حقوق بشر مقامات زندان همچنین با محروم ساختن زندانیان از مراقبت‌های پزشکی به عنوان ابزاری برای ارباب زندانیان استفاده کردند بویژه برای انهاییکه از شرایط زندان‌ها شکایت کرده و یا مقامات زندان را به چالش کشیده بودند. در 10 ژوئیه، مقام‌های سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای نگرانی عمیق خود را در باره رفتار مستمر دولت در محروم ساختن بازداشت‌شدگان از خدمات پزشکی ابراز کردند. در این بیانیه به پرونده‌های مدافعان حقوق بشر از جمله آرش صادقی و نرگس محمدی و زندانیان دو تابعیتی از جمله احمدرضا جلالی، کامران قادری و نازنین زاغری رتکلیف اشاره شد. کارشناسان سازمان ملل همچنین به شرایط غیربهداشتی زندان‌ها اشاره کردند، از جمله، ازدحام، غذا و آب آلوده، هجوم حشرات و موش، امکانات غیربهداشتی و دمای نامناسب هوا.

خدمات درمانی برای زنان زندانی بطرز زننده‌ای ناکافی گزارش شد.

سازمان‌های حقوق بشر و رسانه‌های بین‌المللی غالباً از کمبود آب، غذای ناکافی، گرمای طاقت فرسا، فضای زندگی غیربهداشتی، تهویه نامناسب، هجوم سوسک و موش، ازدحام حاد زندانیان در زندان‌ها گزارش دادند. همچنین زندانیان را وادار به خوابیدن روی زمین بدون تشک در سراسر زندان‌های کشور کرده‌اند. اعتصاب غذای زندانیان به کرات رخ داد.

در اوت، مرکز اسناد حقوق بشر گزارش داد 200 زندانی در زندان زنان در قرچک در نامه ای سرگشاده به حشمت الله حیات الغیب، مدیر کل زندان های استان تهران از ازدحام، غذا و آب آلوده، شرایط غیر بهداشتی، و محرومیت از خدمات درمانی در زندان شکایت کردند.

هیچ نشانه ای وجود نداشت که مقامات در باره مرگ زندانی سیاسی، وحید صیادی نصیری در دسامبر 2018، تحقیق کرده باشند که از اکتبر 2018 در اعتراض به شرایط زندان لنگرود در قم اعتصاب غذا کرده بود.

طبق عفوبین الملل، دستکم 10 زن از درویش صوفی گنابادی از فوریه 2018 ناعادلانه به اتهامات مرتبط با امنیت ملی در زندان شهرری در بازداشت بودند. این زنان مستمرا از مراقبت های فوری پزشکی مورد نیازشان محروم بودند و در شرایط غیرانسانی و غیربهداشتی زندانی بودند. مرکز اسناد حقوق بشر در ایران و جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، گزارش دادند که گفته شد الهام احمدی، یکی از زنان زندانی، که دوره محکومیت دو ساله خود را می گذراند در ژانویه برای اعتراض به محرومیت از مراقبت های پزشکی به 148 ضربه شلاق هم محکوم شده بود. در آوریل، گفته شد که یک زندانی، سیما انتصاری، یک زندانی زن دیگر را کتک زد. گفته می شود مقامات زندان به مهاجم قول داده بودند در صورتی که به این زندانی حمله کند پرونده او را برای تجدید نظر بررسی خواهند کرد. دو زن زندانی به رغم قوانین و مقررات در همان بندی قرار داده شده بودند که زندانیان محکوم برای اتهامات مرتبط با مواد مخدر، سرقت و جرائم اجتماعی نگاه داشته می شوند.

مقامات در بسیاری از موارد بازداشت شدگانی که هنوز محاکمه نشده اند را با زندانیان محکوم در یک بند قرار می دادند. طبق گزارش ماه ژوئن ایران وایر، در دو سال گذشته نگهداری زندانیان سیاسی در بندهای جانین خطرناک و خشن روند فزاینده ای بخود گرفته است که هدف از آن شکستن اراده زندانیان سیاسی است. همچنین به گزارش هرانا در برخی از زندان ها، از جمله

## ایران

زندان مرکزی سقز در استان کردستان، بازداشت شدگان نوجوان را در بند زندانیان بزرگسالان قرار داده اند. بنا به گزارش های سازمان های غیردولتی، بازداشت شدگان نوجوان مذکر در اکثر مناطق شهری در مراکز توان بخشی جداگانه نگهداری می شوند اما، بازداشت شدگان نوجوان مونث در مناطق روستایی در بندهای بزرگسالان قرار داده می شوند. مقامات زنان را جدا از مردان نگاه می داشتند.

در سال 2017، از قول محمد جواد فتحی، عضو کمیسیون قضایی مجلس گفته شد که 2300 کودک با مادران زندانی خود در زندان ها زندگی می کنند. فتحی از سازمان زندان ها درخواست کرد آمار شفاف در باره مادران زندانی ارائه دهد. ایران و ایر گزارش داد چندین زندان در سراسر کشور کودکان بزرگتر که با مادران زندانی خود در زندان هستند به مراقبت های پزشکی یا تجهیزات بهداشتی و آموزشی دسترسی ندارند.

در طول سال گزارش های بیشماری درباره خودکشی زندانیان در واکنش به اوضاع زندان ها یا بد رفتاری با زندانیان داده شد. در ماه اوت، روزنامه قانون گزارش داد که یک روحانی در زندان اوین به علت "دشواری های" نا مشخص که زندانیان با آن ها مواجه اند خودکشی کرد.

مدیریت اداری: طبق گزارش سازمان های غیر دولتی، مقامات زندان ها مستمرا زندانیان را از حق ملاقات با خانواده خود در زندان و نیز از حق تماس تلفنی و دیگر امکانات مکاتباتی محروم کردند. زندانیانی که پیرو مذهبی غیر از شیعه بودند گزارش دادند که در مدت حبس با تبعیض روبرو بودند.

طبق گزارشی در 24 اکتبر از مرکز اسناد حقوق بشر ایران، غلامرضا ضیایی، رئیس زندان اوین زندانیان سیاسی را از حق تماس با خانواده هایشان محروم می کرد.

مقامات هیچ تحقیقات معتبری در باره اظهارات مربوط به شرایط غیر انسانی زندان ها یا مرگ مشکوک زندانیان انجام ندادند. هیچ تحقیقات بیشتری در باره مرگ کاووس سید امامی، شهروند کانادایی ایرانی تبار فعال محیط زیست در زندان اوین صورت نگرفت. مقامات مرگ او را

خودکشی نامیدند. وکیل خانواده او در آوریل 2018 به مرکز اسناد حقوق بشر ایران گفت که گزارش مقدماتی پزشکی قانونی استان "نشان از جای تزییق روی بدن او داشت"، همچنین "کبودی در نقاط مختلف بدن او" دیده می شد. مقامات مریم ممبینی، همسر سید امامی را ممنوع الخروج کردند.

زندانیان می توانستند به مقامات قضائی شکایت کنند اما اغلب با سانسور یا اقدامات تلافی جویانه به شکل افتراء، ضرب و شتم، شکنجه و محرومیت از دریافت دارو و محرومیت از مرخصی رو به رو شدند. خانواده های زندانیان اعدام شده همیشه از زمان اجرای حکم مطلع نمی شدند و یا اگر به آن ها اطلاع داده می شد اغلب بسیار دیر بود. مقامات خانواده ها را از امکان برگزاری مراسم خاکسپاری اعدامی ها یا در خواست برای کالبد شکافی بی طرفانه محروم کردند.

نظارت مستقل: دولت اجازه برای نظارت مستقل بر وضعیت زندان ها نداد. زندانیان و خانواده های آن ها اغلب به مقامات و در برخی موارد به نهادهای سازمان ملل متحد نامه نوشتند تا نسبت به بد رفتاری که با آنها می شد اعتراض کنند. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره رفتار با زندانیان سیاسی به بخش 1.e. زندانیان و بازداشت شدگان سیاسی، نگاه شود.

#### **d. توقیف یا حبس خودسرانه**

گرچه بر اساس قانون اساسی توقیف یا حبس خودسرانه ممنوع است، اما این رویه مکررا در طول سال رخ داد. منشور حقوق شهروندان سال 2016 رئیس جمهور روحانی، آزادی های گوناگون، از جمله "حریم شخصی، مال، حیثیت، اشتغال، رویه حقوقی و قضائی، امنیت اجتماعی و امثال آنها" را بر شمرده است. دولت به این مفاد عمل نکرد. زندانیان می توانند در مورد حکم حبس خود در دادگاه تقاضای تجدید نظر بدهند اما مشمول جبران مدت حبس خود نخواهند بود.

#### **رویه بازداشت و رفتار با بازداشت شدگان**



بر اساس قانون اساسی و قوانین، بازداشت افراد مستلزم حکم بازداشت یا احضاریه است و تاکید می شود که اشخاص بازداشت شده باید ظرف ۲۴ ساعت تفهیم اتهام شوند. اما، مقامات بازداشت شدگان را در برخی از اوقات بدون حق تماس برای مدت های طولانی بدون اتهام یا محاکمه نگاه می دارند و اغلب آن ها را از حق تماس با خانواده خود یا دسترسی به موقع به وکیل محروم می سازند.

قانون دولت را موظف می سازد که در برخی از جرائم مشخص وکلایی در اختیار مدافعان بی بضاعت قرار دهد. دادگاه ها حتی برای جرائم سبک تر وثیقه های بسیار سنگین تعیین می کنند و در بسیاری از موارد دادگاه ها وثیقه تعیین نکردند. مقامات اغلب بازداشت شدگان و خانواده های آن ها را وادار به سپردن اسناد مالکیت به عنوان وثیقه کردند تا از ترس از دست دادن اموالشان مجبور به سکوت شوند.

دولت کماکان بدون رعایت روند قانونی به حصر خانگی ادامه می دهد تا تحرک یا تماس اشخاص را محدود سازد. در پایان سال، مهدی کروی و میرحسین موسوی نامزدهای پیشین انتخابات ریاست جمهوری و نیز همسر موسوی، زهرا رهنورد، تحت بازداشت خانگی که در سال ۲۰۱۱ بدون اتهام رسمی به آن ها تحمیل شده بود باقی ماندند. نیروهای امنیتی به محدود کردن دسترسی آن ها به ملاقات کنندگان و کسب اطلاعات ادامه دادند. نگرانی ها در مورد وخیم شدن سلامت کروی ادامه یافت که گفته شد در نتیجه رفتار مقامات بدتر شده است.

بازداشت خود سرانه: مقامها همچنان به بازداشت ها جهت ایجاد مانع علیه فعالیتهای ضد رژیم ادامه می دهند. ماموران لباس شخصی بدون اطلاع قبلی وارد خانه ها و ادارات برای بازداشت افراد میشوند و اقدام به یورش، ضبط اسناد شخصی از جمله پاسپورت، کامپیوتر، و سائل رسانه ای و سایر اقلام خصوصی بدون اجازه دادگاه و روند دادرسی می کنند.

افراد اغلب برای مدت های طولانی بدون اتهام یا محاکمه در بازداشتگاهها باقی ماندند و مقامات در برخی از موارد چندین روز به آن ها اجازه نمی دادند تا دیگران را از وضعیت شان مطلع کنند. مقامات اغلب در مدت بازداشت، آن ها را از دسترسی به مشاوره حقوقی محروم می کردند.

رسانه های بین المللی و سازمان های حقوق بشر افزایش بازداشت افراد دو تابعیتی را گزارش کردند، اشخاصی که تابعیت ایران و یک کشور دیگر را دارند معمولاً و بطور خودسرانه با اتهاماتی با انگیزه سیاسی در حبس های طولانی روبرو می شوند.

در 7 ژوئیه، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد طی گزارشی برآورد کرد دستکم 30 پرونده اتباع خارجی و دو تابعیتی وجود دارد که مقامات خودسرانه آن ها را بازداشت و با آن ها بد رفتاری کرده و از خدمات درمانی مکفی محروم کردند و یا هر دو. چند تن از بازداشت شدگان اتباع آمریکایی بودند از جمله ژیانگ ونگ، خودسرانه در 2016 بازداشت و در 7 دسامبر پس از بیش از سه سال حبس آزاد شد. ونگ دانشجوی رشته دکترا در پرینستون بود که برای پایان نامه دکترای خود در باره تاریخ سلسله قاجار تحقیق می کرد. در 2017، یک دادگاه انقلاب او را به اتهام "همکاری با یک کشور متخاصم" به 10 سال زندان محکوم کرده بود. ابوالقاسم صلواتی، قاضی دادگاه انقلاب، مسول این پرونده بود. در اوت 2018، کارگروه سازمان ملل متحد در امور بازداشت های خودسرانه اظهار داشت بازداشت ونگ خودسرانه و "با این انگیزه صورت گرفت که او صرفاً شهروند ایالات متحده" بود.

بازداشت های دیگر اتباع خارجی و دو تابعیتی ها ادامه داشت. به گزارش رسانه های بین المللی و سازمان های غیردولتی، در ژانویه یک دادگاه استیناف علیه سیامک نمازی رای داد زیرا نامبرده حکم 10 سال حبس خود به اتهام "جاسوسی" را که پس از رای دادگاه بدوی با موارد بسیاری از نقض آیین دادرسی صادر شد، به چالش کشیده بود. مقامات نمازی را در 2015 بازداشت کردند و او تا آخر سال در زندان باقی ماند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد به این جمع بندی رسید که دولت اتباع خارجی و دو تابعیتی ها را "در دادگاه های ساختگی بر خلاف موازین محاکمات عادلانه به اتهاماتی محکوم کرد که بر اساس شواهد دروغ در برخی موارد و یا بدون هیچ شواهدی برگزار شد و تلاش کرده است از آن ها به عنوان اهرم دیپلماتیک استفاده کند." دو تابعیتی ها، همانند دیگر شهروندان با موارد متعددی از نقض روند آیین دادرسی مواجه بودند، از جمله عدم دسترسی به وکیل منتخب خودشان و محاکمات کوتاه که در آن ها اجازه دفاع از خود نداشتند.

به گزارش دیده بان حقوق بشر، از ماه ژانویه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب خودسرانه دست کم ۵۰ فعال محیط زیست را بازداشت کرد. آن موارد شامل بازداشت یک گروه همکار با موسسه حیات وحش میراث پارسیان در ژانویه - فوریه 2018 بود که در پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی که با خطر انقراض روبرو است فعالیت می کردند. گفته شده این فعالان محیط زیست دوربین هایی برای ردیابی حیوانات تعبیه کرده بودند، اما سپاه پاسداران ادعا کرد که بازداشت شدگان از سایت های موشکی اطلاعات جمع آوری می کردند. در اکتبر، دادستان ها اتهام "مفسد فی الارض" را علیه چهار تن از آن ها پس گرفتند، اتهامی که حکم اعدام را به همراه دارد. در 20 نوامبر، دادگاه انقلاب تهران شش تن از آن ها را - هومن جوکار، سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، امیر حسین خالقی، سام رجبی، طاهر قدیریان، عبدالرضا کوهپایه و مراد طاهباز - به اتهام همکاری با "دولت متخاصم" به حبس های بین شش تا ده سال محکوم کرد؛ دو متهم دیگر، سام رجبی و عبدالرضا کوهپایه تا 10 دسامبر در انتظار صدور رای خود بودند. طبق دیده بان حقوق بشر قاضی رای خود را در خفا، بدون حضور وکلای مدافع صادر کرد و شکایات متهمان در باره آزار و اذیت در طول بازداشت را نادیده گرفت.

حبس پیش از محاکمه: حبس پیش از محاکمه اغلب خودسرانه و طولانی بود، به ویژه در پرونده هایی که ادعای نقض قوانین امنیت ملی را عنوان کرده اند. مقامات زندانیان را قبل از آن که اجازه تماس به آن ها داده شود برای مدت های طولانی بدون حق تماس در حبس نگاه می داشتند. موارد

## ایران

بازداشت ناعادلانه و خودسرانه پیش از محاکمه متداول بود و در طول سال در مورد شماری از زندانیان عقیدتی به خوبی ثبت شده است. به گفته دیده‌بان حقوق بشر قاضی می‌تواند به صلاحدید خویش مدت بازداشت را طولانی‌تر کند و بازداشت‌های پیش از محاکمه اغلب ماه‌ها به درازا می‌کشید. مقامات اغلب بازداشت‌شدگان را در زندان‌های عمومی حبس کردند.

e. محرومیت از محاکمه علنی منصفانه

در قانون اساسی قید شده است که قوه قضائیه باید "یک قوه مستقل" باشد که "از هرگونه نسبت و ارتباط ناسالم" مبرا. اما نظام دادگاهها تحت نفوذ سیاسی بود و قضات "در راستای معیارهای مذهبی" منصوب شده بودند.

مقام رهبری رئیس قوه قضائیه را منصوب می‌کند. رئیس قوه قضائیه، اعضای دیوان عالی و دادستان کل همگی روحانی بودند. ناظران بین‌المللی به انتقاد از عدم استقلال نظام قضائی کشور و قضات ادامه دادند و اعلام کردند که موازین عادلانه بین‌المللی در محاکمات رعایت نمی‌شود.

### روند دادرسی

طبق قانون اساسی و قوانین، خواننده حق دارد از محاکمه عادلانه برخوردار شود، تا زمانی که محکوم نشده بیگناه فرض شود، به انتخاب وکیل مورد پسند خود دسترسی داشته باشد، و در پرونده‌هایی که مجازات‌های سنگین به‌مراه دارد بتواند درخواست استیناف بدهد. این حقوق مراعات نمی‌شد.

هیات‌های قضات در محاکمات در دادگاه‌های مدنی و جنائی قضاوت می‌کنند. فعالان حقوق بشر محاکماتی را گزارش دادند که به نظر می‌رسید مقامات احکام را از قبل تعیین کرده‌اند و خوانندگان امکان رو در رویی با متهم‌کنندگان را نداشتند یا با وکیل خود ملاقات کنند. قانون انتخاب وکلا برای متهمین به جرائم علیه امنیت ملی و برای ژورنالیست‌ها را به فهرست مورد تایید شده دولت محدود کرده.

در مواردی که قوانین بعد از انقلاب شرایط ویژه را مد نظر قرار نمی دهد دولت به قضات توصیه کرد که به آگاهی و تفسیر خود از شریعت و سوابق رجوع کنند. بر اساس این رویه، قضات ممکن است شخصی را بر اساس دانش "معرفت الهی" خود، گناهکار بدانند.

قانون اساسی تأسیس یا اختیار دادگاه های انقلاب را تصریح نکرده است. این دادگاه ها در پی فرمانی که بلافاصله بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ از سوی آیت الله خمینی رهبر پیشین صادر شد ایجاد گردید و یک قاضی شرع به ریاست این دادگاه ها منصوب شد. این دادگاه ها با نیت یک تدبیر اضطراری و موقتی برای محاکمه مقامات بلند پایه رژیم سلطنتی مخلوع و رفع تهدیدها علیه رژیم ایجاد گردید. اما دادگاه ها نهادینه شدند و به موازات نظام قضایی کیفری به کار ادامه دادند. گروه های حقوق بشر و ناظران بین المللی اغلب دادگاه های انقلاب را که عموماً مسئول رسیدگی به پرونده های زندانیان سیاسی هستند به عنوان دادگاه های اساساً ناعادلانه بدون رویه قضایی می شناختند که احکام از پیش تعیین شده صادر می کنند و برای اهداف سیاسی احکام شتاب زده اعدام صادر می کنند. گفته می شود این رویه های ناعادلانه در کلیه مراحل رسیدگی های کیفری در دادگاه های انقلاب اعمال می شود، از جمله مرحله بازپرسی و تحقیق پیش از محاکمه، محاکمه بدوی و تجدید نظر توسط دادگاه های بالاتر.

بنا به گزارش ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات بسیاری از احکام در پرونده های دادگاه های انقلاب را تعیین می کنند. اکثر پرونده های مهم سیاسی به تعدادی از محدود دادگاه های انقلاب ارجاع می شوند که قضات آن ها اغلب آموزش حقوقی ناکافی دارند و مستقل نیستند.

در طول سال، گروه های حقوق بشری و رسانه های بین المللی به فقدان روند دادرسی حقوقی در محاکمات کیفری اشاره کردند علاوه بر آن دادگاه ها اعترافات که تحت فشار و شکنجه گرفته شده است را به عنوان شواهد پذیرفتند. جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد نگرانی خود را در باره پذیرش اعترافات زیر شکنجه، فقدان روند دادرسی و نبود محاکمه عادلانه ابراز کرد.

طبق حقوق بشر ایران، در 4 اوت، مقامات در زندان دزفول دو مرد عرب را به اتهام "محاربه با خدا" مجرم شناخت؛ عفوبین الملل گزارش داد که برای گرفتن اعتراف این دو شکنجه شدند.

دادگاه ویژه روحانیت به ریاست یک روحانی شیعه با نظارت مقام رهبری موظف به تحقیق درباره تخلفات از سوی روحانیون و صدور حکم بر اساس تفسیر مستقلانه از منابع حقوقی اسلامی است. قانون اساسی تشکیل دادگاه ویژه روحانیت را نیز که خارج از نظارت قوه قضائیه است تصریح نکرده است. از دادگاه های ویژه روحانیت برای تضییقات علیه روحانیون شیعه استفاده شد که نظرات مناقشه برانگیزی ابراز کردند و در فعالیت‌هایی خارج از حیطه مذهب شرکت داشتند، از قبیل روزنامه نگاری یا فعالیت‌های اصلاح طلبانه سیاسی.

در ژانویه سید حسن آقامیری، روحانی، در پستی در اینستاگرام نوشت دادگاه ویژه روحانیت او را به دو سال زندان و همچنین خلع لباس روحانیت به علت پست های انتقادی از تشکیلات روحانیت در رسانه های اجتماعی محکوم کرده بود. او گفت، مقامات سپس حکم او را به پنج سال حبس تعلیقی کاهش دادند.

### زندانیان و بازداشت شدگان سیاسی

آمار رسمی در مورد تعداد شهروندانی که به خاطر عقاید سیاسی زندانی شده‌اند موجود نبود. طبق سازمان اتحاد برای ایران از 12 دسامبر حدود 610 زندانی سیاسی در کشور وجود داشت، از جمله کسانی که به دلیل اعتقادات مذهبی خود زندانی شدند.

دولت اغلب ناراضیان سیاسی را به جرائم مبهم متهم کرد، از قبیل، "رفتار ضدانقلابی"، "مفسد فی الارض"، "جانبداری از استکبار جهانی"، "محاربه با خدا"، و "جنایت علیه اسلام" دادستان‌ها مجازات‌های شدیدی به منتقدان دولت که به تخلفات جزئی متهم شده بودند تحمیل کردند.

## ایران

قانون جرائم سیاسی را به عنوان اهانت به دولت تعریف می کند و همچنین "نشر اکاذیب". جرائم سیاسی اقداماتی است "که با نیت اصلاح سیاست‌های داخلی و خارجی ایران صورت می گیرد"، در حالی که اقداماتی که که نیت آسیب رساندن به "بنیان‌های رژیم" صورت می گیرد جرایم امنیت ملی محسوب می شوند. دادگاه و دفتر دادستانی عمومی مسنولیت تشخیص ماهیت جرم را به عهده دارند.

قانون جرائم سیاسی برای متهمان در مدت بازداشت و حبس حقوق مشخصی قائل شده است. مجرمان سیاسی باید در زندان های جدا از مجرمان عادی قرار داده شوند. مجرمان سیاسی باید از پوشیدن یونیفورم زندان معاف باشند، تابع مقررات ناظر بر تکرار جرم نباشند، مشمول تبعید نشوند، از حبس انفرادی معاف باشند مگر آنکه مقامات قضائی ضروری بدانند. آن ها همچنین حق دارند مستمرا اعضای اصلی خانواده خود را ببینند و با آنها مکاتبه کنند و به کتاب و روزنامه ها، رادیو و تلویزیون دسترسی داشته باشند.

بسیاری از مفاد قانون اجرا نشده است و دولت به بازداشت و متهم ساختن دانشجویان، ژورنالیست‌ها، وکلا، فعالان سیاسی، فعالان حقوق زنان، هنرمندان، اعضای اقلیت‌های مذهبی به "جرائم سیاسی" ادامه می دهد که در حیطه قانون جرائم سیاسی نیست. زندانیان سیاسی در معرض خطر بزرگتر شکنجه و بدرفتاری در زندان قرار داشتند. آن ها اغلب جزیی از جمعیت کلی زندانیان قرار می گیرند و زندانیان سابق گزارش دادند که مقامات اغلب زندانیان سیاسی را به انتقال به بندهای جانینان تهدید کردند که احتمال حملات علیه آن ها بیشتر بود. فعالان حقوق بشر و رسانه‌های بین‌المللی نیز در باره پرونده هایی گزارش دادند که زندانیان سیاسی را با جانینان خشن متهم یا محکوم شده نگاه می دارند و با جانینان مبتلا به بیماری‌های مسری مانند اچ.آی.وی. یا هپاتیت (به بخش 1.c، شرایط زندان نگاه شود). مقامات اغلب زندانیان سیاسی را از خانواده هایشان دور نگاه می دارند و آن ها را از حق مکاتبه محروم کردند و برای مدت ها در سلول های انفرادی قرار دادند.

طبق گزارش ها، دولت برخی از بازداشت شدگان را برای سال ها بر اساس اتهامات بی اساس طرفداری از گروه های واقعی تروریست یا گروه هایی که ادعا می کردند تروریست هستند، در زندان نگاه می داشتند.

دولت ممنوعیت سفر برای برخی از زندانیان سیاسی صادر کرد، آن ها را پس از سال ها حبس از اشتغال در رشته های حرفه ای شان بازمی داشت، و برخی دیگر را مشمول تبعید داخلی می ساخت. در طول سال مقامات گاهی حکم حبس زندانیان سیاسی را تعلیق و آن ها را به قید وثیقه مرخص می کردند با این درک که تجدید فعالیت های سیاسی به بازگشت آن ها به زندان منجر می شود. دولت به سازمان های انساندوستانه یا نمایندگان سازمان ملل متحد اجازه نداد تا به زندانیان سیاسی دسترسی پیدا کنند.

بنا به گزارش ها، مقامات زندان نرگس محمدی، مدافع حقوق بشر و ژورنالیست را از حق تماس با خانواده اش و همچنین مراقبت های پزشکی مرتبط با عمل مهمی که در ماه مه داشت محروم کرد. محمدی در سال 2016 توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و یک دادگاه انقلاب او را برای "تبلیغات علیه کشور"، "تبانای علیه امنیت ملی" و تاسیس غیرقانونی سازمان لغو گام به گام حکم اعدام که دولت ادعا کرد به امنیت ملی آسیب می رساند به 16 سال حبس محکوم کرد.

وکلائی که از زنانی سیاسی دفاع می کردند اغلب بازداشت و متحمل حکم های سنگین و مجازات شدید برای انجام فعالیت های حرفه ای خود می شدند. دولت به زندانی کردن وکلا و دیگر افرادی که به گروه وکلای مدافع، مرکز مدافعان حقوق بشر وابسته بودند ادامه داد. در 2018، دولت دستکم هشت وکیل حقوق بشر را بازداشت کرد که سازمان ملل متحد آن را به عنوان "افزایش ارعاب، بازداشت و حبس برای مشاوره حقوقی به صدای ناراضیان" توصیف کرد.



## ایران

در ژانویه، محمد نجفی، وکیل حقوق بشر زندانی به دو سال بیشتر حبس محکوم شد که جمع سال های حکم او به اتهامات "مربوط به امنیت ملی" به 19 سال می رسد.

در مارس، یک دادگاه انقلاب نسرین ستوده، وکیل حقوق بشر را به جمع کل 38 سال زندان و 148 ضربه شلاق برای ارائه خدمات حقوقی به زنانی که متهم به نداشتن حجاب بودند، محکوم کرد.

در ژوئیه، یک دادگاه انقلاب حکم 30 سال زندان به علاوه 111 ضربه شلاق را برای امیر سالار داوودی، وکیل حقوق مدنی تایید کرد.

سازمان های بین المللی حقوق بشر بازداشت چند وکیل دیگر حقوق بشر را برای انجام کار حرفه ای خود در طول سال گزارش دادند. در ژانویه، نیروهای امنیتی فرهاد محمدی، وکیل حقوق بشر کرد و مسعود شمس نژاد، وکیل و استاد دانشگاه را بازداشت کردند.

### انتقام جویی با انگیزه سیاسی علیه افراد در خارج از کشور

گزارش های موثقی وجود دارد که دولت سعی کرد تا ضمن استفاده نادرست و ابزاری از قوانین بین المللی، آنرا بمنظور اهداف سیاسی تلافی جویانه علیه افراد مشخصی در خارج از کشور بکار گیرد.

در مارس، دولت بهاره زارع بهاری تبعه ایران را در فهرست هشدار قرمز در اینترپول قرار داد. تبعه ایران که برای چندین سال در فیلیپین زندگی کرده بود و مدعی شد با اتهام "ضرب و جرح" در ایران مواجه بود زیرا ادعا شده بود که دیگر اتباع ایرانی در فیلیپین را تهدید کرده بود. رسانه ها و سازمان های غیردولتی اشاره کردند که بهاری علنا مخالفتش را با دولت ایران ابراز کرده بود و تصویر یکی از مخالفان دولت را در جریان مسابقه بین المللی ملکه زیبایی که او هم در آن

شرکت داشت نشان داده بود. مقامات در اکتبر بهاری را که از یک سفر خارجی باز می‌گشت در فرودگاه مانیل بازداشت کردند. مقامات فیلیپین در 8 نوامبر به بهاری پناهندگی دادند.

### آیین دادرسی مدنی و جبران خسارات

شهروندان توانایی محدودی برای تعقیب قانونی علیه دولت دارند و نمی‌توانند از طریق دادگاه علیه دولت برای نقض حقوق بشر و حقوق مدنی دولت شکایت کنند.

### استرداد مال

قانون اساسی به دولت اجازه می‌دهد اموالی را که بطور نامشروع یا به شیوه ای مغایر با قوانین اسلام به دست آمده مصادره کند. دولت ظاهراً با استناد به این مفاد اقلیت‌های مذهبی را هدف قرار می‌دهد.

f. دخالت خودسرانه یا غیرقانونی در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه، یا مکاتبات اشخاص قانون اساسی تصریح می‌کند "حیثیت، جان، مال، [و] اقامتگاه [های]" مردم در برابر تجاوز، مورد حفاظت قرار می‌گیرد جز در موارد "پیش‌بینی شده در قانون". اما دولت به روال عادی به این حق تجاوز می‌کرد. نیروهای امنیتی فعالیت‌های اجتماعی شهروندان را زیر نظر می‌گرفتند، وارد خانه‌ها و دفاتر کار مردم می‌شدند، مکالمات تلفنی و ارتباط اینترنتی مردم را زیر نظر می‌گرفتند و مراسلات مردم را بدون مجوز دادگاه باز می‌کردند. دولت همچنین اعضای خانواده‌های فعالان را برای ارباب و تلافی بازداشت می‌کرد.

یک خبرگزاری نیمه رسمی در 24 دسامبر گزارش داد که مقامات حدود 10 اعضای خانواده پویا بختیاری را بازداشت کردند. او یکی از معترضان بود که گفته می‌شود در اعتراض‌های نوامبر علیه افزایش بهای سوخت توسط نیروهای امنیتی در شهر کرج کشته شد. بنا به گزارش‌ها بازداشت‌شدگان شامل پسر عموی 11 ساله بختیاری و مادر بزرگ و پدر بزرگ سالمند او بودند.

## ایران

به گفته دیگر اعضای خانواده نیروهای امنیتی این افراد را بازداشت کردند تا از برگزاری مراسم چهل مرگ بختیاری جلوگیری شود.

به گزارش سازمان های بین المللی حقوق بشر، دولت اعضای خانواده کارمندان بی بی سی در ایران را بازداشت و مرعوب می کرد، از جمله اعضای سالمند خانواده های آن ها که در ایران زندگی می کنند. دولت همچنین اموال اعضای خانواده ها آن را مسدود و توقیف کرد، بستگان آن ها را که در سازمان های وابسته به دولت اشتغال دارند تنزل مقام داد و گذرنامه های آن ها را مصادره کرد. دولت همچنین اعضای خانواده های ژورنالیست های سایر رسانه ها در خارج را مجبور می کرد در تلویزیون دولتی، خویشان خود را بدنام کنند.

در ژانویه طبق اظهارات وکیل رضا خندان، یک دادگاه انقلاب او را که شوهر نسرین ستوده است به اتهام "توطئه علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" که در حقیقت مربوط به دفاع علنی او از همسر بازداشت شده است، به شش سال زندان محکوم کرد. خندان درخواست تجدیدنظر کرد و تا نوامبر مقامات او را برای دوره محکومیتش بازداشت نکرده بودند. در سپتامبر، عفوبین الملل گزارش داد مقامات سه عضو خانواده فعال حقوق زنان و بنیانگذار جنبش علیه حجاب اجباری، مسیح علینژاد را بازداشت کردند. برادر او، علیرضا علینژاد، و خواهر و برادر همسر سابقش، هادی و لیلا لطفی. سازمان های غیردولتی نگران بودند که ممکن است آن ها را در سلول های انفرادی حبس کرده باشند. بنا به گزارش ها مقامات هادی لطفی را پس از بازجویی آزاد کردند.

### g. بدرفتاری ها در مناقشات داخلی

سوریه: دولت مستقیماً از طریق سپاه پاسداران از رژیم اسد در سوریه حمایت کرد و شبه نظامیان شیعه عراقی، افغان و پاکستانی را اجیر می کرد که موجب طولانی شدن جنگ داخلی سوریه و کشته شدن هزاران غیرنظامی سوریه شد. به گزارش دیده بان حقوق بشر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران طبق ادعاها از سال ۲۰۱۳ به بعد هزاران آواره افغان را که فاقد اوراق مهاجرت

بودند و در ایران زندگی می کردند را اجیر کرد که در برخی موارد با تهدید برای اخراج از کشور همراه بود. سازمان موسوم به شبکه سوری برای حقوق بشر 89 درصد از مرگ غیرنظامیان در سوریه از زمان آغاز تنش، به دلیل دخالت نیروهای دولتی و شبه نظامیان مورد حمایت ایران بوده است. هکرهای وابسته به ایران به حملات سایبری علیه گروه های اپوزیسیون در تلاش برای اخلال در گزارش دهی آن ها در باره نقض حقوق بشر ادامه دادند.

سربازان کودک: دیده بان حقوق بشر در گزارشی در 2017، اظهار داشت که سپاه پاسداران کودکان افغان زیر 14 سال را برای خدمت در بریگاد فاطمیون اجیر کرده بود و گفت یک گروه افغان مورد حمایت از سوی ایران به همراه نیروهای دولتی در سوریه می جنگد و اشاره کرد دستکم 14 کودک افغان در تنش در سوریه کشته شده بودند. یکی از فرماندهان این بریگاد در مصاحبه ای با ایران وایر در اوت 2018 تایید کرد که نوجوانان افغان زیر 15 سال در واحد او خدمت می کردند.

عراق: دولت مستقیمی از برخی از شبه نظامیان مورد حمایت ایران، از جمله سازمان تروریستی کتائب حزب الله حمایت می کرد که در اعدام های بدون محاکمه و دیگر تعدیات نسبت به حقوق بشر شهروندان غیرنظامی در عراق همدست بود. در اکتبر و نوامبر، گزارش هایی وجود داشت که گروه های شبه نظامی مورد حمایت ایران در عراق معترضان را کشتند و در ربودن و کشتار فعالان جامعه مدنی، ژورنالیست ها و مدافعان حقوق بشر دخالت داشتند. رویترز در اکتبر گزارش داد که ابو زینب اللامی عضو کتائب حزب الله فرماندهی تک تیراندازان در کشتار معترضان صلح جو در عراق را به عهده داشت.

یمن: ایران از سال ۲۰۱۵ صدها میلیون دلار برای پشتیبانی از شورشیان حوثی در یمن پول داده و جنگ یمن را تشدید و طولانی کرده است. در 25 نوامبر یک شناور در سواحل یمن توقیف شد که مقدار قابل توجهی سلاح های پیشرفته و قطعات موشکی حمل می کرد که ظاهراً از ایران

ارسال شده بود. شورشیان یمن از منابع مالی و سلاح های ایران برای حمله به غیرنظامیان و ساختارهای غیرنظامی هم در یمن و هم در عربستان سعودی استفاده می کردند. همچنین به گزارش جامعه بین المللی بهائیان در ماه آوریل 2018، مقامات ایران به مقامات نواحی تحت کنترل شورشیان حوثی یمن دستور داد که بهائیان آن کشور را به دلیل بستگی مذهبی آن ها بازداشت و مورد آزار و اذیت قرار دهند. در 10 اکتبر، گفته شد یک قاضی یمنی از مقامات خواست که بهائیان را اخراج کنند، از ورود آن ها جلوگیری و اموال انجمن بهائیان توقیف شود.

**بخش ۲. احترام برای آزادی های مدنی، از جمله:**

**a. آزادی بیان، از جمله آزادی مطبوعات**

در قانون اساسی آزادی بیان، از جمله آزادی مطبوعات تصریح شده است به جز زمانی که کلام استفاده شده "برای اصول بنیادین اسلام با حقوق مردم مضر" تشخیص داده شود. طبق قانون، "هرکس که به تبلیغات علیه جمهوری اسلامی ایران یا در حمایت از سازمان ها و گروه های اپوزیسیون دامن زند به سه ماه تا یک سال حبس محکوم می شود."

منشور حقوق شهروندان حق هر یک از شهروندان برای برخورداری از آزادی سخن و بیان را به رسمیت می شناسد. منشور به شهروندان حق می دهد نظرات و اطلاعات را آزادانه بگویند، دریافت کنند، منتشر سازند و با استفاده از هر گونه وسیله ارتباطاتی به اطلاع برسانند، اما این امر اجرا نشده است.

پیگرد قانونی اشخاص متهم به جرایم علیه کشور یا امنیت ملی یا «اهانت» به اسلام در قانون پیش بینی شده است. دولت آزادی بیان و مطبوعات را شدیداً محدود کرده و از قانون برای پیگرد کسانی که مستقیماً از دولت انتقاد می کنند یا مسائل حقوق بشر را عنوان می کنند استفاده می کردند و نیز شهروندان عادی را به اطلاع از مفاهیم اخلاقی دولت و ادار می کند.

آزادی بیان: مقامات به افراد اجازه نمی دادند که از نظام حکومتی کشور، مقام رهبری یا دین رسمی کشور علناً انتقاد کنند. نیروهای امنیتی و قوه قضائیه کسانی که این محدودیت‌ها را نقض می کردند و نیز کسانی را که علناً از رئیس جمهور، هیات دولت یا مجلس انتقاد می کردند مجازات می کردند. در یک گزارش ماه ژوئیه سازمان ملل متحد به "محدودیت های فزاینده" برای آزادی بیان اشاره کرد.

دولت جلسات، مسافرت ها، و ارتباطات بین شهروندان را زیر نظر می گرفت و غالباً افراد را به جرائمی علیه امنیت ملی و اهانت به رژیم متهم می کرد و از نامه‌ها، ایمیل‌ها و دیگر مخابرات عمومی و خصوصی بعنوان ادله استفاده می کرد. مقامات تهدید می کردند که بیان‌اندیشه‌ها یا تماشای تصاویری که به نظر دولت مغایر ضوابط اخلاقی و نقض ضوابط اخلاقی قانونی پنداشته می شود سزاوار بازداشت و تنبیه است.

در ژوئن و اوت، بیش از بیست فعال جامعه مدنی دو نامه جداگانه منتشر کردند که در آن‌ها از رهبر خواستند از مقام خود کناره‌گیری کند و روند تدوین قانون اساسی جدید را آغاز کند. مقامات تقریباً تمامی امضاکنندگان این نامه‌ها را بازداشت و به "تبلیغ علیه نظام" و "تبانی علیه امنیت ملی" متهم کردند. محاکمات آن‌ها در دادگاه انقلاب ادامه داشت.

مطبوعات و رسانه‌ها، از جمله رسانه‌های آنلاین: هیئت نظارت بر مطبوعات که برای مطبوعات پروانه انتشار صادر می کرد گاهی در واکنش به مقالات انتقادی از دولت یا رژیم، آن پروانه‌ها را لغو می کرد و یا از تمدید آنها در مورد افرادی که با اتهامات رو به رو بودند یا به دلایل سیاسی به زندان افتاده بودند امتناع می‌ورزید. در طول سال، دولت نشریاتی را که منتقد از مقامات شناخته می‌شدند ممنوع، مسدود، تعطیل یا توبیخ می کرد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (ارشاد) خبرنگاران خارجی را ملزم می ساخت نقشه مفصل سفر خود به ایران را با ذکر موضوع مطالبی که مد نظر دارند، پیش از گرفتن ویزای ایران، ارائه

## ایران

کنند که به این ترتیب توانائی رسانه ای خارجی برای سفر در داخل ایران سخت محدود می شد و آنها را مجبور می ساخت که کار خود را در ایران همراه یک مراقب محلی انجام دهند. طبق واشنگتن پست، وزارت ارشاد موقتا صدور مجوزها را برای خبرنگاران خارجی در تابستان متوقف کرد.

به موجب قانون اساسی، تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی یک امر غیرقانونی است. دولت از طریق سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی همه رسانه‌های تلویزیونی و رادیویی را به انحصار خود در آورده بود. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی که برای بسیاری از مردم (بویژه در نواحی روستائی که دسترسی آنها به اینترنت محدود بود)، منبع اصلی خبر محسوب می‌شد، مرام سیاسی و اجتماعی- مذهبی دولت را منعکس می‌کرد. دولت عملیات نهادهای مستقل مطبوعاتی را شدیداً محدود می‌ساخت. دولت دستکم از سال ۲۰۰۳ برنامه‌های رادیو تلویزیونی ماهواره ای را بر فراز آسمان کشور مختل می کرد. داشتن آنتن‌های بشقابی توسط مردم کماکان ممنوع بود اما در همه جا وجود داشت. کسانی که آنتن‌های ماهواره می‌فروختند، مورد استفاده قرار می دادند یا تعمیر می کردند با جریمه‌هایی تا ۹۰ میلیون ریال (معادل ۲۱۰۰ دلار) مواجه بودند. پلیس با احکام صادره توسط قوه قضایی هر چند یک بار به توقیف ماهواره ها در سراسر کشور اقدام می کرد.

بموجب قانون اساسی، رهبر، رئیس نهاد مسئول سیاست صوتی و بصری دولت را که شورایی متشکل از نمایندگان رئیس جمهور، قوه قضائیه، و مجلس شورای اسلامی بود منصوب می کرد. وزارت فرهنگ همه نشریات مربوطه، از جمله مطالب چاپی خارجی را پیش از آن که در داخل ایران توزیع شود بررسی می کرد و بعضی از کتاب‌ها را که شایسته نشر تشخیص نمی داد ممنوع الانتشار اعلام می کرد، یا دستور می داد برخی قسمت های آن ها حذف شود یا ملزم شوند که به جای کلماتی که نامناسب به نظر می رسد کلمات دیگری به کار رود.

مؤسسات مستقل انتشاراتی وجود داشت اما دولت عملیات آن‌ها را شدیداً محدود می ساخت.

در ژوئن، قاضی محمد مقیسه در شعبه 28 دادگاه انقلاب تهران مسعود کاظمی، سردبیر مجله ماهانه صدای پارسی را به اتهامات مرتبط با امنیت ملی و انتشار اخبار نادرست و اهانت به مقام رهبری به چهار سال و نیم حبس و ممنوعیت دو ساله در کار خبرنگاری محکوم کرد. مقامات در نوامبر 2018 کاظمی را برای گزارش دهی در باره فساد در وزارت صنعت بازداشت کرده بودند.

خشونت و مردم‌آزاری: دولت و عواملش ناشران، سردبیران، روزنامه نگاران را برای گزارش هایشان مورد آزار، بازداشت، تعقیب و بدرفتاری قرار داد از جمله آن هائی را که در رسانه‌های اینترنتی فعالیت می کردند. دولت همچنین خانواده‌های بسیاری از ژورنالیست‌ها را آزار می داد.

طبق سازمان موسوم به ژورنالیسم جرم نیست، سازمانی که به ثبت اخبار مرتبط با آزادی مطبوعات متعهد است، دستکم 38 ژورنالیست تا دسامبر زندانی شدند.

مقامات رسانه‌های ملی و بین‌المللی را از پوشش خبری در باره تظاهرات در طول سال منع کردند که تلاشی بود جهت سانسور اخبار مربوط به اعتراض‌ها و ارباب شهروندان تا از پخش اطلاعات در باره اعتراض‌ها خودداری کنند. در 4 مه، مقامات مرضیه امیری، خبرنگار شرق، یکی از روزنامه‌های اصلی اصلاح‌طلبان، را در اعتراضی در مقابل ساختمان پارلمان بازداشت کردند. محمد علی پورمختار، نماینده پارلمان در واکنش به بازداشت امیری به رسانه دولتی گفت، "خبرنگاران حق ندارند در باره هر چه که می‌خواهند گزارش بدهند. مشکل، خبرنگاران هستند." پورمختار گفت بازداشت امیری هیچ‌اشکالی ندارد زیرا او اطلاعات مهمی را در اختیار کشورهای متخاصم قرار داده بود. امیری با وثیقه یک میلیارد ریالی (23 هزار دلار) در اواخر اکتبر از زندان اوین آزاد شد.

در ژوئیه، عفوبین الملل خواستار آزادی سه خبرنگار گام، اپ خبری کانال تلگرام که موضوعات کارگری را گزارش می‌دهد، شد. طبق گزارش عفوبین الملل و دیگر گزارش‌های سازمان‌های



حقوق بشر مقامات امیرحسین محمدی فرد، سردبیر گام، همسرش ساناز الله یاری، امیر امیرقلی، خبرنگار و یک خبرنگار دیگر گام را بازداشت کردند. گفته شد این خبرنگاران با اتهامات امنیت ملی در ارتباط با گزارش هایشان در باره اعتراض های کارگران در استان خوزستان مواجه بودند. مقامات خبرنگاران را با قید ضمانت در اواخر اکتبر آزاد کردند.

سانسور یا محدودیت محتوا: به موجب قانون، دولت از سانسور منع شده است اما قانون ضمناً انتشار اطلاعاتی را که به نظر دولت، "زیانبار" است منع می کند. در طول سال، دولت نشریات - هم اصلاح طلب و هم محافظه کار - را که از اقدامات دولت انتقاد می کردند یا نظرات یا برداشت های ارائه شده از سوی دولت را نفی می کردند سانسور کرد. اطلاعات "زیانبار" شامل مباحثات درباره حقوق زنان، وضعیت اقلیت ها، انتقاد از فساد دولت و اشاره به بدرفتاری نسبت به زندانیان بود.

در ژوئیه، هافینگتون پست گزارش داد که دولت شرایطی را برای بی بی سی تعیین کرد که به موجب آن اطلاعات جمع آوری شده در داخل کشور را در اختیار بی بی سی فارسی نگذارد. طبق گزارش، این توافق در ازای آن صورت گرفت که دولت به بی بی سی اجازه فعالیت دهد. مقام ها معمولاً خبرنگاران را به خود سانسوری و ادار می کنند. مقام های رسمی اغلب علیه خبرنگاران اعلام جرم می کنند و هیات نظارت بر مطبوعات که مقررات برای محتوی مطالب منتشر شده را تعیین می کند این شکایات را برای رسیدگی به دادگاه مطبوعات ارجاع می کند. طبق مرکز اسناد حقوق بشر ایران خیرگزاری جمهوری اسلامی نوع اخبار و موضوعات اصلی که باید پوشش خبری داده شوند را تعیین و آن ها را مستقیماً به رسانه های خبری ارسال می کند.

قوانین افترا/بهتان: دولت برای سرکوبی انتقادات عموماً یا به قوانین افترا یا امنیت ملی استناد می کرد. به موجب قانون، اگر نشریه ای حاوی اهانت های شخصی، بهتان، اظهارات کذب، یا انتقاد باشد، فرد مورد اهانت، این حق را دارد که ظرف یک ماه در آن نشریه به اهانت پاسخ بدهد. طبق یک لایحه جدید "اهانت" یا "بهتان" نسبت به دولت، نمایندگان دولت، یا مقامات

خارجی در زمانی که در خاک ایران هستند، و نیز "نشر اکاذیب" با نیت اصلاح و نه براندازی دولت، جرم سیاسی محسوب می شود و تابع رویه خاصی برای محاکمه و حبس می باشد. (نگاه کنید به بخش 1.c). دولت از آن قانون در طول سال استفاده کرد و غالباً به اظهارات منعکس شده در رسانه‌های مختلف یا در جایگاه‌های اینترنتی انتقادی، برای توقیف، تعقیب یا محکومیت کیفری افراد به خاطر جرائم علیه امنیت ملی استناد کرد.

امنیت ملی: مقامات معمولاً با ذکر قوانین مربوط به امنیت ملی منتقدان دولت را بازداشت و مجازات می کنند. همین شیوه در مورد افرادی که منتقد سیاستهای دولت و مقامهای رسمی اند نیز بکار می رود. در ژانویه، مقامات سه عضو کانون نویسندگان را به اتهام مرتبط با جرائم امنیت ملی بازداشت کردند که گفته می شود برای انتشار مطالبی در مخالفت با سانسور هنر و ادبیات بود.

### آزادی اینترنت

دولت دسترسی به اینترنت را محدود و مختل می ساخت از جمله قطع آن برای تقریباً یک هفته در جریان اعتراض های سراسری در نوامبر. گزارش هایی وجود دارد که دولت بار دیگر در 25 دسامبر سرعت اینترنت را کاهش داد که مصادف بود با 40 روز پس از آغاز اعتراض ها و دولت نگران بود بستگان کشته شدگان اعتراض های جدیدی را در مراسم یادبود قربانیان سازماندهی کنند. مقامات همچنین بر ارتباطات آنلاین خصوصی نظارت و مطالب آنلاین را سانسور کردند. افراد و گروه‌ها به خودسانسوری روی آوردند. وزارت‌های فرهنگ، اطلاعات، و فناوری مخابرات نهاد‌های عمده کنترل محتوا و سامانه‌های اینترنتی در ایران هستند. دفتر مقام رهبری همچنین شامل شورای عالی فضای سایبری می شود که مسئول کنترل محتوا و سامانه‌های اینترنتی است. دولت اطلاعات شخصی افراد همچون اعتقادات و افکار سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک شهروندان را جمع آوری می کند.

دولت به اجرای طرح شبکه ملی اطلاعات ادامه داد. همان گونه که خانه آزادی تشریح کرد، این طرح به دولت امکان می دهد سرعت ارتباط اینترنت خارجی را در طول دوره های حساس کاهش دهد، شبکه داخلی را از شبکه اینترنت جهانی قطع کند و سیستم های فیلترشکن را مختل سازد. طبق شمار بسیاری از گزارش های رسانه ای و سازمان های غیردولتی، تقریباً کل دسترسی به اینترنت را برای پنج روز از آغاز اعتراض ها علیه افزایش بهای سوخت در نوامبر مسدود کرد. بی بی سی اشاره کرد که مقامات دو ارتباط اینترنتی با خارج را کنترل کرد، شرکت دولتی مخابرات و موسسه فیزیک و ریاضیات. بخش نظارت بر اینترنت در شرکت اوراگل آن را " بزرگترین قطع اینترنت که تا کنون در ایران مشاهده شده است" خواند. دسترسی به شبکه های موبایل در بخش هایی از کشور برای چند روز پس از کاهش سطح اعتراض ها شدیداً محدود باقی ماند.

سازمان های غیردولتی گزارش دادند که دولت مطالب و محتوای اینترنت را در طول سال فیلتر کرد تا دسترسی به برخی از سایت ها مسدود شود و ترافیک اینترنتی را بر اساس محتوا فیلتر کند. قانون استفاده از فیلترها و شبکه خصوصی مجازی برای کنترل اینترنت را غیرقانونی می داند و رسانه ها از قول جهرمی وزیر اطلاعات و فن آوری مخابرات گفتند که استفاده از این ابزار غیرقانونی است.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید صلاحیت همه ارائه کنندگان خدمات اینترنتی را تایید کند دولت همچنین همه صاحبان وبسایت ها و بلاگ ها را در کشور ملزم به ثبت در آن نهادهایی کرده که کمیته مسئول تعیین مصادیق مجرمانه را تشکیل می دهد (که به آن همچنین کمیته مسئول برای تعیین وب سایت های غیرمجاز می گویند)، سازمانی دولتی که معیارهای سانسور را تعیین می کند. این سازمان ها شامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت اطلاعات و فناوری مخابرات، وزارت اطلاعات و دادستانی عمومی تهران است.

مقررات وزارت اطلاعات و فناوری مخابرات خانواده‌ها و کافه‌های سایبری را از داشتن دسترسی سریع به اینترنت منع می‌کند.

مقامات به انسداد سایت های پیام رسانی آنلاین مانند فیسبوک، یوتیوب، و توئیتر ادامه دادند گرچه حساب های آنلاین توئیتر مقام رهبری، رئیس جمهور، وزیر امور خارجه، ظریف و دیگر مقامات و نهادهای وابسته به دولت پس از قطع اینترنت در پی تظاهرات نوامبر، به کار خود ادامه دادند و از کار نیافتادند.

سازمان های دولتی، از جمله شورای سایبری بسیج، پلیس سایبری و ارتش سایبری که ناظران آن را تحت کنترل سپاه پاسداران می دانند، تمام تهدیدهای ادعای شده مربوط به امنیت ملی را زیر نظر گرفته، شناسایی شده، و خنثی کردند. این سازمان ها به ویژه فعالیت های شهروندان را روی شبکه های اجتماعی رسمی ممنوع شده مانند تلگرام، فیسبوک، توئیتر، یوتیوب، و فلیکر هدف قرار داده بودند و گفته می شد اشخاصی که از دولت انتقاد می کردند یا مسائل اجتماعی حساس مطرح می ساختند را مورد آزار و اذیت قرار دادند.

تلگرام، اپ پیام رسانی بسیار محبوب در طول سال بسته باقی ماند البته کاربران با استفاده از فیلترشکن ها به آن دسترسی پیدا می کردند.

بلاگرها، کاربران رسانه های اجتماعی و ژورنالیست های آنلاین کماکان در طول سال بازداشت شدند. در آوریل، مقامات به شهروندان هشدار دادند در صورتی که تصاویری از سیل در جنوب غربی کشور پست کنند ممکن است به اتهام "تشویش اذهان عمومی" مجازات شوند. گفته شد در 5 اکتبر، مقامات سحر تبار کاربر اینستاگرام را برای پست هایش که نتیجه چند عمل جراحی پلاستیک را نشان داده بود به اتهام "کفر" و "تحریک جوانان به فساد" بازداشت کردند. چند هفته بعد، او برای اعمالش در تلویزیون دولتی ابراز پشیمانی کرد که ناظران آن را "اعتراف اجباری" توصیف کردند. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در اوت گزارش داد که مقامات دستکم 14

"سلبریتی" کاربر اینستاگرام را در طول سه ماه بازداشت کردند و به آن ها دستور دادند فعالیت های آنلاین را متوقف کنند.

### آزادی آکادمیک و رویدادهای فرهنگی

دولت آزادی آکادمیک و استقلال موسسات آموزش عالی را بسیار محدود کرد. مقامات، فضای دانشگاهها را پیوسته هدف قرار می دادند تا فعالیت های اجتماعی و سیاسی را سرکوب کنند، فعالان دانشجویی را زندانی کنند، اعضای هیات های علمی دانشگاهها را برکنار می ساختند، به دلایل سیاسی یا وابستگی مذهبی یا فعالیت از ثبت نام دانشجویان یا ادامه تحصیل آنها ممانعت می کردند، و برنامه های تدریس علوم اجتماعی و علوم انسانی را محدود می ساختند.

در آوریل، طبق گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران کمیته برای اسلامی کردن دانشگاه ها در شورای عالی انقلاب فرهنگی اصلاحیه ای بر مقررات انضباطی دانشگاه ها تصویب کرد که طبق آن دانشجویان دانشگاه ها ممکن است برای انجام فعالیت های آنلاین که "غیر اخلاقی" به حساب می آیند مجازات شوند. جاماسب نوذری، مدیر سازمان دولتی امور آکادمیک در مصاحبه ای با خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) گفت، "انتشار تصاویر غیر اخلاقی یا ارتکاب به اعمال غیر اخلاقی در فضای سایبری و در شبکه های اشتراک اطلاعات منجر به اقدامات انضباطی علیه دانشجویان می شود".

مقامات دانشجویان بهایی را از تحصیلات عالی محروم می ساختند و آن هایی را که از طریق یک دانشگاه اینترنتی غیر رسمی به نام موسسه آموزش عالی بهایی تحصیل می کردند مورد آزار قرار دادند. به گزارش ماه سپتامبر خبرگزاری هرانا مقامات از پذیرش دستکم 20 دانشجوی بهایی صرفا به دلیل وابستگی دینی امتناع کردند گرچه در امتحان سراسری قبول شده بودند. (نگاه کنید به گزارش وزارت خارجه آمریکا تحت عنوان گزارش بین المللی آزادی مذهب)

[www.state.gov/religiousfreedomreport/](http://www.state.gov/religiousfreedomreport/)

دولت همچنان به کنترل سینما، موسیقی، تئاتر و نمایشگاه های هنری ادامه می دهد و تولیداتی که مغایر با ارزش های اسلامی است سانسور می کند. دولت فیلم هایی را که مشوق سکولاریسم و افکار غیر اسلامی در مورد حقوق زنان، رفتارهای غیر اخلاقی، استفاده از مواد مخدر، خشونت و مصرف مشروبات الکلی است را سانسور می کند.

طبق مرکز دفاع از حقوق بشر شورای 9 نفره بررسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متشکل از روحانیون، مدیران سابق، نمایندگان سابق مجلس و مدرسین دانشگاه ها باید محتوای هر فیلم را پیش از تولید تایید و تصویب کنند و یکبار هم پیش از نمایش. با این وجود و با تمام مجوزهای لازم که همگی پیش از تولید صادر شده اند دولت هنوز می تواند از نمایش فیلم بطور خودسرانه جلوگیری کند.

در ژوئیه سازمان اسناد حقوق بشر ایران، گزارش داد دادگاهی محمد رسول اف کارگردان سینما را به یک سال حبس محکوم کرد. طبق ادعای رسول اف محور اتهامات علیه او در دادگاه در مورد فیلم هایی است که آزار و اذیت بهایی ها را از سوی دولت نشان می دهد. از سال 2017 مقام ها رسول اف را علاوه بر آن که از ساختن فیلم محروم کرده بود، ممنوع الخروج نیز شده است. مشابها جعفر پناهی کارگردان دیگر سینما از سال 2010 هنگامی که متهم به "تولید تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی" شد، ممنوع الخروج است.

مقام ها از آموزش موسیقی در مدارس استقبال نمی کنند. این مقام ها موزیک خارجی و متال را از نظر مذهبی توهین آمیز قلمداد می کنند. پلیس به سرکوب کنسرت های زیر زمینی و به بازداشت موسیقیدانان و توزیع کنندگان موزیک ادامه می دهد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید رسماً تمام ترانه آهنگ ها، موسیقی و آلبوم ها را بر اساس ارزش های اخلاقی بررسی کند، گرچه بسیاری از آهنگ سازان بدون اجازه اقدام به انتشار آلبوم های خود می کنند.

در ژوئیه یک دادگاه انقلاب نیکان خسروی و آرش ایلخانی از گروه کانفس (Confess) را غیابا به بیش از 14 سال حبس و 74 ضربه شلاق به اتهام توهین به "مقدسات اسلام" و سایر اتهامات محکوم کرد.

## b. آزادی تجمع و ایجاد تشکیلات

دولت شدیداً آزادی ها تجمع و تشکیلات را محدود کرد.

### آزادی تجمع مسالمت آمیز

قانون اساسی همایش و راه پیمائی اشخاص غیر مسلح "به شرطی که ناقض اصول اسلام نباشد" را مجاز می شمارد. دولت برای جلوگیری از اعتراضات ضد رژیم این حق را محدود کرد و همایش ها را از نزدیک زیر نظر گرفت. اینگونه همایش ها شامل سرگرمی های همگانی و سخنرانی، جلسات و اعتراضات دانشجویان و زنان، گردهمایی و مراسم نیایشی گروه های اقلیت مذهبی، اعتراضات کارگری، همایش های اینترنتی و ارتباطات در شبکه های مجازی، مراسم تشییع جنازه، و تجمع برای نماز جمعه بود.

به گفته فعالان، دولت مقررات خودسرانه ای را در مورد صدور مجوز همایش ها به کار برد و در حالی که گروه های طرفدار رژیم از این حیث به ندرت با مشکلی روبرو بودند، گروه های منتقد رژیم صرف نظر از اینکه مجوز برایشان صادر شده بود یا نه با مزاحمت مواجه می شدند.

تظاهرات علیه فساد دولتی و سومدیریت اقتصادی در طول سال ادامه داشت، همینطور تظاهرات کارگری. اعتراضات علیه حجاب اجباری نیز گسترش یافت.

در 13 ماه مه شبه نظامیان بسیجی و گروه های طرفدار رژیم که با لباس شخصی ظاهر می شوند، تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران را که طی آن صدها دانشجو علیه حجاب اجباری دست به تظاهرات مسالمت آمیز زده بودند پراکنده کردند. ویدیوها نشان می دهند که روحانیون، گروه های

ضربت شخصی و بسیجی ها با سردادن شعارها از دانشجویان می خواستند تا به قانون احترام بگذارند و یا دانشگاه را ترک کنند. در گزارش ها آمده است که گروه های ضربت شخصی پس از اینکه دانشجویان به آدیتوریم دانشگاه پناه برده بودند را مورد حمله فیزیکی قرار دادند.

در 14 نوامبر، دولت پس از حذف یارانه سوختی، بهای جدید بنزین را که شدیداً افزایش پیدا کرده بود اعلام کرد. براساس گزارش رسانه ها و سازمان های غیردولتی حذف کمک های دولتی در رابطه با مواد سوختی به اعتراضات گسترده ای در سه چهارم کشور دامن زد، اعتراضاتی که بیانگر نارضایتی عمومی از رهبری در سطح کشور بود (نگاه کنید به بخش 1.a). طبق گزارش رسانه های بین المللی نیروهای امنیتی با پاسخ شدید و حمله به این تظاهرات تقریباً 1500 نفر را کشتند. مقام های دولتی همچنین 8600 تن از تظاهرکنندگان را دستگیر کردند. مقام های رسمی کشور معترضین را "شورشگر" توصیف کردند و هیچ سخنی از این که تحقیقاتی در مورد تعداد تلفات صورت خواهد گرفت نه تنها به میان نیامد بلکه دولت این ارقام را "اطلاعات نادرست" خواند.

ضمناً، هیچ تحقیقی در مورد کشته شدن دستکم 20 تن از تظاهرات کنندگان در اعتراضات 18-2017 انجام نگرفت و همین طور هیچ تحقیقی در مورد حمله به جامعه معترض در اویش گنابادی که تعدادی از آنها نیز کشته شدند صورت نگرفت. بین 9 تا 12 ماه مارس یک دادگاه استیناف، محکومیت 23 تن از درویش را از 6 تا 26 سال حبس، شلاق، و محرومیت از سفر و استفاده از رسانه های مجازی محکوم کرد. تعداد زیادی از اعضای درویش گنابادی همچنان تا پایان سال در حبس باقی مانده اند.

### آزادای برای ایجاد تشکیلات

قانون اساسی تاسیس احزاب سیاسی، انجمن های حرفه ای و سیاسی، و سازمانهای شناخته شده اقلیت اسلامی، مادامیکه این گروهها اصول آزادی و حاکمیت ملی، وحدت ملی، و معیارهای



اسلامی و یا اینکه اسلام را بعنوان پایه نظام حکومتی زیر سؤال نمی برند، را پیش بینی کرده است. دولت آزادی ایجاد تشکیلات را با تهدید، ارباب، تحمیل قوانین خودسرانه بر سازمانها و بازداشت رهبران و اعضای گروهها (نگاه شود به بخش 7) را محدود کرده است. دولت به گسترش اعمال خودسرانه خود در زمینه فعالیتهای جامعه مدنی که بنظر آنها غیرقابل قبول است ادامه داد از جمله دخالت در تلاشهایی که در ارتباط با حفاظت محیط زیست در حال انجام بود. ( نگاه کنید به بخش 1.d )

### **c. آزادی مذاهب**

نگاه کنید به گزارش بین المللی وزارت امور خارجه در مورد آزادی مذهب:

<https://www.state.gov/religiousfreedomreport/>.

### **d. آزادی جا بجا شدن**

قانون جابجاشدن داخلی، سفر خارجی، مهاجرت و استرداد را مجاز می داند و عموماً دولت به این حقوق احترام می گذارد، با چند استثنا، بویژه در مورد مهاجران و زنان. دولت با دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در مورد پناهندگان از افغانستان و عراق همکاری می کند.

جابجایی داخل کشور: محکومیت های قضایی برخی اوقات شامل تبعید داخلی پس از آزادی از زندان می شود، که افراد را از سفر به برخی از استانها منع می کند. زنان غالباً برای سفر به یک سرپرست مرد و یا یک همراه نیاز دارند و در صورت سفر تنها با ایذا و آزار اجتماعی روبرو هستند.

دولت مقرر می کند تا همه شهروندانی که به خارج از کشور سفر می کنند اجازه خروج دریافت کنند. شهروندانی که با هزینه دولت تحصیل و یا کمک تحصیلی دولتی دریافت می کنند باید پیش از خروج از کشور یا کمک تحصیلی دریافت شده را پرداخت کنند و یا اینکه با یک اجازه نامه موقت کشور را ترک کنند. دولت همچنین محدودیت هایی را برای سفر خارجی برخی از رهبران مذهبی، اعضای اقلیتهای مذهبی و دانشمندان در زمینه های حساس را قائل کرده است.

#### e. آورانگان داخلی

وجود ندارد.

#### f. حمایت از پناهندگان

به گزارش کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، دولت به ۹۵۱۱۴۲ افغان، ذیل برنامه ای به نام *آمایش* به پناهندگان کارت شناسایی داد تا عملاً پناهنده تلقی شده و بتوانند دسترسی به خدمات اولیه داشته باشند که علاوه بر آن صدور پروانه کار نیز برایشان تسهیل خواهد شد. علاوه بر پناهندگان ثبت نام شده، دولت میزبان تقریباً ۴۵۰ هزار افغان دارای گذرنامه افغانستان با ویزای ایران و یک ونیم تا ۲ میلیون افغان بدون مدارک است. ایران ضمناً ۲۸،۲۶۸ پناهنده عراقی را در کشور جای داده است.

بدرفتاری با مهاجران، پناهندگان، و اشخاص فاقد کشور: دیده بان حقوق بشر و سایر گروهها گزارش داده اند دولت به بدرفتاری با بسیاری از افغان ها، از جمله بدرفتاری فیزیکی از سوی نیروهای امنیتی، اخراج، سربازگیری اجباری برای شرکت در درگیری های سوریه، نگهداری موقت در اماکن غیربهداشتی و غیرانسانی، پرداخت اجباری برای حمل و نقل و اسکان آنها در

اردوگاه های اخراج، کار اجباری، جدایی اجباری از خانواده، محدود ساختن جابجایی و مسافرت آن ها در کشور، و محدودیت در دسترسی به تحصیلات و اشتغال همچنان ادامه دارد.

بازگرداندن به وطن: طبق گزارش گروه های فعال و سازمان های غیردولتی، مقام ها مرتباً افغان های فاقد کارت آمایش را بازداشت و گاهی آن ها را تهدید به اخراج از ایران نیز می کنند. طبق گزارش سازمان بین المللی مهاجرت از آغاز سال تا ماه اوت بیش از ۲۱۹۲۵۴ افغان فاقد برگ هویت و مدارک سفر، به افغانستان بازگشتند و بسیاری از آن ها گفته اند که زیر فشار ایران را ترک کرده اند. در طول سال بیش از ۲۷۳۰۸۹ نفر اخراج شدند.

دسترسی به پناهندگی سیاسی: پناه دادن یا اعطای موقعیت پناهندگی به متقاضیان واجد شرایط، در قانون پیش بینی شده است. در حالی که گفته می شود دولت سیستم مشخصی برای حمایت از پناهندگان دارد، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد درباره نحوه تصمیم گیری های ایران در مورد اعطای پناهندگی اطلاعاتی ندارد. به گزارش دیده بان حقوق بشر، دولت به جلوگیری از اقدام بسیاری از افغان ها برای ثبت نام جهت کسب موقعیت پناهندگی ادامه می دهد.

افغان هایی که در دهه های اخیر به سبب اوضاع مغشوش و طنششان به ایران مهاجرت کرده اند و قبلاً در نظام آمایش ثبت نام نشده اند در حال حاضر کماکان از دسترسی به نظام پناهندگی و یا از دسترسی به برنامه پناهندگی سازمان ملل متحد تا در آن ثبت نام کنند محروم اند. سازمان های غیردولتی گزارش کردند که بسیاری از پناهجویان آواره تحت فشار بودند تا ایران را ترک کنند اما به سبب اوضاع امنیتی در ولایات کشورشان نمی توانستند به افغانستان بازگردند.

آزادی مسافرت و تغییر مکان: طبق گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، پناهندگان از لحاظ سفر در داخل کشور با محدودیت هایی روبرو بوده اند و به برخی از استان ها

نمی توانستند سفر کنند. آنها می توانند درخواست "اسند مسافرتی" کنند که آن ها را قادر می سازد بین استان هایی که افغان ها می توانند سفر کنند تردد نمایند.

اشتغال: فقط پناهندگانی که دولت بر اساس برنامه *آمایش* برایشان پروانه کار صادر کرده می توانند کار کنند. منابع سازمان های غیردولتی گزارش کرده اند که تمدید کارت ها و نگاهداری آن برای پناهندگان به سبب سنگین بودن هزینه تمدید، دشوار است.

دستیابی به خدمات اولیه: دارندگان کارت *آمایش* از تحصیلات، مراقبت های بهداشتی، از جمله واکسن، مراقبت های پیش از زایمان، بهداشت مادران و کودکان و تنظیم خانواده از سوی وزارت بهداشت برخوردار می شدند. همه پناهندگان ثبت شده می توانند در بیمه های ابتدایی پزشکی و خدمات درمانی که همه شهروندان از آن استفاده می کنند و شامل (دارو، معاینه پزشک، پرتونگاری و غیره) می شود ثبت نام کنند. در طول سال، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد حق بیمه برای 92 هزار نفر از آسیب پذیرترین پناهجویان را پرداخت کرد، از جمله پناهجویان و خانواده هایشان که متحمل بیماری های ویژه ای هستند. بقیه پناهندگان می توانند از بیمه های بهداشتی موجود استفاده کنند، که هزینه اش را خودشان باید پرداخت کنند و در طول سال چهار بار فرصت ثبت نام دارند.

دولت ادعا می کند که دسترسی به تحصیل در مدارس ایران برای پناهندگان افغان فراهم است. بیش از 480 هزار کودک افغان در دبستان های ابتدایی و دبیرستانی ثبت نام کرده اند، علاوه بر ۱۰۳ هزار نفری که بدون مدرک سرگرم تحصیل اند. اما در گزارش رسانه ها درباره این مدارس آمده است که کودکان افغان برای دسترسی به آموزش و پرورش کماکان با مشکلاتی رو به رو بوده اند.

محدودیت هایی که اکثر استان های ایران برای اقامت پناهندگان قائل می شدند آنها را از دسترسی به خدمات عمومی مانند مسکن دولتی در نواحی ممنوعه آن استان ها عملاً محروم ساخته است.

## g. اشخاص فاقد تابعیت

رقم درستی از تعداد اشخاص فاقد تابعیت که مقیم ایران بودند وجود ندارد. اشخاص فاقد تابعیت شامل کسانی که شناسنامه و یا کارت هویت پناهندگی ندارند می شود. آنها مشمول سیاست‌های دولتی که غالباً با یکدیگرند مغایرند می شوند و به نهادهای خیریه عمدتاً داخلی اتکا می کنند تا از مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی برخوردار شوند. مقام‌های رسمی اشخاص فاقد تابعیت را از دریافت خدمات دولتی و یا مدارک مسافرتی محروم می کنند.

در ماه اکتبر شورای نگهبان، اصلاحیه‌ای را تصویب کرد که براساس آن فرزندان زنان ایرانی که شوهر خارجی دارند تابعیت ایرانی را دریافت می کنند. پیش از این زنان نمی توانستند تابعیت ایرانی را به فرزندان خود از پدری غیر ایرانی انتقال دهند و این امر تنها هنگامی میسر می شد که کودکان پس از 18 سال اقامت در ایران می توانستند تقاضای تابعیت کنند. این در حالی است که فرزندان و همسران مردان ایرانی بطور اتوماتیک تابعیت را دریافت می کردند. اما ذیل قانون جدید، زنان هنوز باید برای ملیت فرزندانشان تقاضا کنند و در غیر اینصورت کودکان پس از رسیدن به 18 سالگی خود می توانند تقاضای کسب تابعیت کنند. فعالان حقوق بشری با توجه به این نکته که اصلاحیه جدید، وزارت اطلاعات و سازمانهای اطلاعاتی را مقرر می کند تا یک گواهی مبنی بر "عدم مشکل امنیتی" برای متقاضیان تابعیت پیش از تصویب تابعیت، صادر کنند، ابراز نگرانی کرده اند. این تعریف ابهام آمیز شرایط امنیتی می تواند برخی از افراد متقاضی را خودسرانه و بخاطر اینکه والدین آنها از منتقدان دولت بوده اند از کسب تابعیت محروم کند. طبق گزارش رسانه‌ها، بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر برغم آن که مادرشان تبعه ایران بوده، به سبب محدودیت‌هایی که برای انتقال تابعیت وجود دارد، تابعیت ایران را کسب نکرده اند. (نگاه شود به بخش ۶ ، کودکان)

### بخش 3. آزادی برای شرکت در روند سیاسی

قانون اساسی کشور به شهروندان این امکان را می دهد که رئیس جمهور و اعضای مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی را از طریق انتخابات عمومی برگزینند، بشرطی که صلاحیت تمام نامزدها از سوی شورای نگهبان تایید شده باشد. انتخابات بر اساس رای مردم است. اما تشخیص صلاحیت نامزدها توسط ارگان های غیرمنتخب، این حق را شدیداً محدود کرده است. محدودیت های گزارش شده توسط دولت برای آزادی بیان و رسانه ها، جمع مسالمت آمیز، و توانائی آزادانه برای کسب، دریافت و انتقال اطلاعات و کارزارهای انتخاباتی نیز حق شهروندان را برای انتخاب آزادانه نمایندگانشان محدود می کند.

مجلس خبرگان، متشکل از ۸۶ روحانی منتخب مردم برای عضویت در دوره های هشت ساله، رهبر را انتخاب می کند که عملاً به عنوان رئیس کشور عمل می کند و فقط رأی آن مجلس می تواند او را از کار برکنار سازد. شورای نگهبان صلاحیت همه نامزدان انتخابات قوه مقننه و ریاست جمهوری را بر مبنای ضوابطی که شامل وفاداری به کشور و اسلام شیعه است بررسی و تعیین می کند. شورای نگهبان با عضویت شش روحانی منصوب از سوی مقام رهبری و شش حقوقدان منصوب از سوی رئیس قوه قضائیه (که از سوی مقام رهبر منصوب می شود) با تأیید مجلس شورای اسلامی تشکیل می شود.

مقام رهبری نفوذ چشمگیری در همه امور و فعالیت همه مقام های منتخب اعمال می کند. بعنوان مثال و براساس گزارش ها رهبر در 17 نوامبر نامه ای را به مجلس نوشت و از اعضای آن خواست تا به بحث و مشاجره در باره جیره بندی و بهای سوخت پایان داده شود، ماجرای که دو روز پیش از آن تظاهرات گسترده ای را در سراسر کشور دامن زده بود.

### انتخابات و مشارکت سیاسی

انتخابات اخیر: انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای محلی در ماه مه ۲۰۱۷ برگزار شد. نظام انتخاباتی کشور همچنان در مقایسه با استانداردهای بین المللی جهت برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه بدلیل کنترل شورای نگهبان و نقش آن در روند سیاسی اشکالات بزرگی دارد. از جمله این اشکالات تصمیم گیری در مورد این که کدام فرد می تواند نامزد شود و یا نشود است و در برخی از موارد و بطور خودسرانه فرد برنده انتخابات نیز از میان برداشته می شود. در سال ۲۰۱۷ شورای نگهبان شش نامزد مکرر شیعه از میان ۱۶۳۶ داوطلب را برای احراز مقام ریاست جمهوری برگزید. رأی دهندگان بار دیگر حسن روحانی را به ریاست جمهوری انتخاب کردند.

صلاحیت عضویت نامزدان انتخابات محلی توسط هیات های نظارت تعیین شده توسط مجلس صورت می گیرد که به رد صلاحیت تعدادی از نامزدان منجر شد. ناظران اظهار داشتند که نامزدان اصلاح طلب مانند عبدالله مومنی، علی تاجرنیا، و نسرین وزیری که پیشتر به دلیل اعتراضات مسالمت آمیز نسبت به انتخابات سال ۲۰۰۹ زندانی شده بودند به دلیل نظرات سیاسی شان اجازه رقابت در انتخابات را نیافتند.

احزاب سیاسی و مشارکت سیاسی: قانون اساسی تشکیل احزاب سیاسی را پیش بینی کرده است اما وزارت کشور تنها به احزابی که پیرو نظام حکومتی "ولایت فقیه"، مندرج در قانون اساسی ایران باشند پروانه فعالیت می دهد. سازمان های سیاسی ثبت شده که پیرو نظام هستند عموماً بدون محدودیت فعالیت می کردند اما اکثراً کوچک و وابسته به وجود یک فرد بودند و در سراسر کشور عضوی نداشتند. اعضای احزاب سیاسی و اشخاصی که وابستگی سیاسی آنها مورد قبول رژیم نبود با آزار، خشونت و گاهی حبس مواجه می شدند. دولت به تحریم چندین سازمان و احزاب مخالف دولت ادامه می دهد. مقامات امنیتی به آزار، ارباب و بازداشت اعضای نهادهای سیاسی مخالف و برخی از اصلاح طلبان ادامه دادند. (نگاه کنید به بخش 1.e).

مشارکت زنان و اقلیت‌ها: زنان در راستای مشارکت سیاسی با موانع قانونی، مذهبی، و فرهنگی متعددی مواجه بودند. طبق تعبیر شورای نگهبان، قانون اساسی کشور زنان و کسانی که اصل و نسب خارجی دارند را از خدمت در مقام رهبری یا ریاست جمهوری، عضویت مجلس خبرگان، شورای نگهبان، یا مجمع تشخیص مصلحت نظام، و برخی از مسندهای قضاوت، منع می‌کند.

شورای نگهبان همه ۱۳۷ زانی را که برای نامزدی مقام ریاست جمهوری ۲۰۱۷ ثبت نام کرده بودند فاقد صلاحیت تشخیص داد. تقریباً ۱۸۰۰۰ نامزد زن یا ۳.۶ درصد کلیه نامزدان، اجازه یافتند در انتخابات محلی سال ۲۰۱۷ به رقابت بپردازند.

همه وزیران کابینه مرد بودند. تعداد معدودی از زنان مناصب ارشد دولت را احراز کرده بودند، از جمله معاون امور حقوقی ریاست جمهوری، وزیر حفاظت محیط زیست، معاون امور زنان و خانواده، و معاون حقوقی رئیس جمهور. طبق گزارش بانک جهانی زنان ۶ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند.

پیروان مذهبی غیر از شیعه از خدمت در مقام رهبری یا ریاست جمهوری و از عضویت در مجمع خبرگان، شورای نگهبان یا شورای تشخیص مصلحت منع می‌شوند. بموجب قانون، پنج کرسی مجلس به نمایندگان اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده، اختصاص دارد، هر چند که اقلیت‌ها می‌توانند برای احراز کرسی‌های اختصاص نیافته نیز انتخاب شوند. کرسی‌های ویژه اعضای اقلیت‌های مذهبی توسط یک زرتشتی، یک کلیمی، و سه مسیحی احراز شد. هیچ غیرمسلمان در کابینه یا دیوانعالی کشور خدمت نمی‌کند.

#### **بخش 4 فساد و فقدان شفافیت در دولت**

قانون برای فساد اداری مجازات‌هایی پیش‌بینی کرده اما دولت آن قانون را به گونه‌ای خودسرانه اجرا می‌کرد و گاهی پرونده‌های فساد را علیه مقامات که ظاهراً قانونی به نظر می‌رسید پیگیری



می‌کرد و در عین حال اتهاماتی با انگیزه های سیاسی علیه منتقدان از دولت یا مخالفان سیاسی دولت عنوان می‌کرد. اکثر مقامات با احساس مصونیت به رویه‌های مفسدانه ادامه می‌دادند. بسیاری از مقام‌ها برای ارائه خدمات عادی، انتظار دریافت رشوه داشتند و یا علاوه بر کار عادی خود پاداش دریافت می‌کردند. افراد مرتباً به مقامات رشوه می‌دادند تا برای کارهای ساختمانی غیرمجاز پروانه بگیرند.

بنیادهای خیریه که موقوفه مذهبی بودند طبق تخمین کارشناسان یک سوم تا یک چهارم اقتصاد کشور را در دست داشتند. افرادی که محرم دولت بودند، از جمله نظامیان و روحانیون، سازمان‌هایی را که در قانون به عنوان بنیاد خیریه شناخته می‌شدند و از پرداخت مالیات معاف بودند اداره می‌کردند. اعضای احزاب سیاسی مخالف دولت و سازمانهای بین‌المللی بارها این بنیادها را به فساد متهم می‌کردند. بنیادها از دولت منافعی دریافت می‌کردند اما ملزم نبودند که بودجه خود را علناً به تصویب هیچ اداره دولتی برسانند.

تعداد زیادی از شرکت‌ها و مؤسسات فرعی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، گاهی بطور غیرقانونی، و نیز در رشته‌های مخابرات، استخراج معدن، و ساختمان اشتغال داشتند. گفته می‌شد که سایر نهادهای سپاه پاسداران انقلاب در قاچاق محصولات دارویی، مواد مخدر و مواد خام دست داشتند. مطبوعات داخلی و بین‌المللی یکسان گزارش می‌کردند افرادی که با دولت بسیار زد و بند داشتند به ارز خارجی به نرخ ترجیحی دست می‌یافتند که به آنها امکان میداد از تفاوت نرخ‌های رسمی و بازار سیاه بهره برداری کنند.

**فساد:** قوه قضاییه به کارزار ضد فساد ادامه داد که ناظران انگیزه آن را به چند عامل وابسته می‌دانند، از جمله نبرد داخلی و جایگزینی درآمد از دست رفته در نتیجه چالش‌های اقتصادی. مقام رهبری در سال 2018 درخواست رییس قوه قضاییه مبنی بر تشکیل یک دادگاه ویژه انقلاب برای

محاكمه افرادى كه مرتكب جنايات اقتصادى مى شوند، موافقت كرد تا آن هاى كه با اقدامات خود باعث هرج و مرج اقتصادى و فساد شده اند به اشد مجازات برسند. رهبر گفته بود كه مجازات ها براى آن هاى كه متهم به فساد اقتصادى شده اند از جمله مقام هاى رسمى و يا نظامى بايد سريع و قاطع باشد. عفو بين الملل از اين كه چنين محاكماتى فاقد شفافيت و فاقد تضمين هاى لازم براى روند دادرسى بود انتقاد كرد.

در اكتوبر دادگاهى حكم حسين فريدون برادر رييس جمهور را كه در ماه مه گذشته به شش سال حبس محكوم شده بود به پنج سال کاهش داد. ماهيت و جزييات كامل اتهامات وارده روشن نيست اما نامبرده به جرم دريافت رشوه محكوم شده بود. به نظر ناظران اين مورد همراه با انگيره هاى انتقام از سوى تندروهاى سياسى و قضايى بود.

در نوامبر راديو فردا گزارش داد كه در ادامه كارزار ضد فساد تعدادى از كاركنان سازمان ثبت احوال و اسناد به اتهام دريافت رشوه، جعل اسناد، و همدستى با سودجويان جهت ضبط اموال عمومى و خصوصى بازداشت شده اند. اين بازداشت ها همزمان با دستگيرى منوچهر همت نجفى رئيس شوراي شهر رودهن بود كه به اتهام كلاهبردارى و ارتشا همراه با 25 تن ديگر در رابطه با پروژه هاى ساختمانى فاقد پروانه دستگير شده بودند. اطلاعات بيشتري در مورد تعداد بازداشت شدگان و مناصب آن ها تا روز 9 دسامبر منتشر نشد.

**افشاي مالى:** مقامات دولت، از جمله وزيران كابينه و اعضاى شوراي نگهبان، مجمع تشخيص مصلحت نظام، و مجمع خبرگان طبق مقررات، ملزم هستند اظهاريه هاى مالى سالانه اى به بازرسى كشور تسليم كنند. درباره اين كه آيا دولت آن قانون را به گونه اى موثر اجرا کرده و مقامات از قانون اطاعت کرده اند يا نه، و اين كه آيا اظهاريه هاى مالى آنها در دسترس عموم قرار مى گرفت، اطلاعات چندانى موجود نبود.

## **بخش 5. رفتار دولت در مورد تحقيقات سازمان هاى بين المللى و غير دولتى**

### **در باره موارد نقض حقوق بشر**

دولت دامنه فعالیت گروه‌ها و مدافعان حقوق بشر محلی یا بین‌المللی را که درباره موارد ادعای نقض حقوق بشر تحقیق می‌کردند محدود ساخت. دولت کار فعالان داخلی را محدود ساخت و غالباً با آزار و اذیت، توقیف و هک کردن اینترنتی و زیر نظر گرفتن محل کار افراد فعال و سازمان‌ها نسبت به تحقیقات و گزارش‌های آن‌ها واکنش نشان می‌داد.

سازمان‌های غیردولتی بموجب قانون بایستی در وزارت کشور ثبت شوند و برای دریافت اعطائیه از خارج درخواست دهند. گروه‌های مستقل دفاع از حقوق بشر و سایر سازمان‌های غیردولتی به سبب فعالیت خود کماکان دستخوش آزار می‌شدند و نیز با خطر تعطیل از سوی مقامات دولت در پی تاخیر طولانی و خودسرانه برای ثبت نام رسمی رو به رو بودند.

در طول سال، دولت مانع از آن شد که برخی از مدافعان حقوق بشر، فعالان جامعه مدنی، روزنامه نگاران و پژوهشگران به خارج از کشور سفر کنند. فعالان حقوق بشر گزارش کردند که به آنها تلفن‌های ارباب آمیز می‌شد و از سوی افراد ناشناس که خود را مقامات دولت و مجریان قانون معرفی می‌کردند به باجگیری، هک کردن رایانه‌هایشان و آسیب مالی تهدید می‌شدند. دولت مکرراً فعالان را برای سئوال و جواب احضار می‌کرد و اشیا خصوصی آنان مثل تلفن دستی، کامپیوتر و گذرنامه آنان را مصادره می‌کرد و برخی اوقات اعضای خانواده‌های فعالان حقوق بشر را نیز آزار و بازداشت می‌کرد. دادگاه‌ها معمولاً اجرای حکم محکومیت فعالان حقوق بشر را معلق و مسکوت می‌گذاشتند. این گونه محکومیت به مانند یک مجازات تعلیقی برای سنجش رفتار آن‌ها بود و راه را برای مقامات باز نگاه می‌داشت تا آنها را بعداً خودسرانه بر اساس اتهامات قبلی توقیف یا حبس کنند.

رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در ایران، در گزارش ژوئیه خود در مورد بازداشت خود سرانه، و مدافعان حقوق بشر، ژورنالیست‌ها و وکلای ابراز نگرانی کرد. او در مورد ارباب و تلافی جوئی در بازداشتگاه، از جمله شکنجه و بدفتاری نیز تذکر داد

و در مورد محرومیت مدافعان حقوق بشر از مراقبت های بهداشتی کافی در زندان، و در مورد بد رفتاری با مدافعان حقوق بشر به تلافی تماس گرفتن آنها با گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در باره وضعیت حقوق بشر در ایران و همکاری آن ها با دیگر نهادهای سازمان ملل متحد هشدار داد.

به گفته منابع نهادهای غیردولتی از جمله دیده بان حقوق بشر و عفو بین الملل، کارنامه حقوق بشر دولت و میزان همکاری اش با مؤسسات بین المللی حقوق بشر کماکان بد بود. دولت همه درخواست ها از سوی سازمان های غیردولتی مدافع حقوق بشر برای تاسیس دفتر در ایران یا برای دیدارهای تحقیقی منظم از ایران را رد می کرد. آخرین دیدار از ایران از سوی یک سازمان غیردولتی بین المللی حقوق بشر، دیداری بود که توسط عفو بین الملل در سال ۲۰۰۴ به عنوان بخشی از گفتگوی اتحادیه اروپا با ایران درباره حقوق بشر، صورت گرفت.

سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین المللی: در طول سال، دولت درخواست های پی در پی گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای دیدار از ایران را نادیده گرفت یا رد کرد. در تاریخ ۱۵ ماه نوامبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای هفتمین بار قطعنامه ای تصویب کرد و در مورد تداوم نقض حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کرد. آن قطعنامه بار دیگر خواستار همکاری ایران با تشکیلات ویژه سازمان ملل متحد شد و موارد قصور دولت ایران در مورد قبول درخواست یکی از اعضای کمیسیون بین المللی سازمان ملل متحد در امور بازداشت های خودسرانه و شرایط بهداشتی زندان ها برای دیدار از ایران پس از گذشت بیش از یک دهه خاطر نشان ساخت و توجه دولت ایران نسبت به تداوم کوتاهی اش در مورد مجاز ساختن ورود گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران برای تحقیق درباره تعدیات نسبت به حقوق بشر علیرغم درخواست های پی در پی را جلب کرد. آخرین دیدار یک نهاد حقوق بشر ملل متحد از ایران در سال ۲۰۰۵ صورت گرفت.

نهادهای دولتی حقوق بشر: شورای عالی حقوق بشر ایران، به ریاست محمد جواد لاریجانی، بخشی از شاخه قضائی دولت ایران محسوب می شود و فاقد استقلال است. آن شورا، به دفاع از زندانی و حبس مدافعان سرشناس حقوق بشر و رهبران مخالفان سیاسی در کشور برغم فشارهای داخلی و بین-المللی ادامه داد. لاریجانی کماکان خواستار پایان دادن به نقش گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای تحقیق در باره موارد نقض حقوق بشر در ایران شد. در مورد این که آیا آن شورا در طول سال به هیچ قانون یا حکم دادگاهی ایراد گرفته است یا نه هیچ اطلاعی وجود نداشت.

## بخش 6. تبعیض، بدرفتاری اجتماعی، و قاچاق انسان زن

تجاوز جنسی و خشونت خانگی: تجاوز جنسی امری غیر قانونی است که مجازات های شدیدی را به همراه دارد، از جمله مرگ، اما همچنان یک معضل اجتماعی باقی مانده است. قانون، داشتن رابطه جنسی را در چارچوب ازدواج با رضایت طرفین تعریف می کند و بنابراین تجاوز جنسی همسر را مد نظر قرار نمی دهد، حتی در ازدواج اجباری. بیشتر قربانیان تجاوز جنسی از بیم انتقام مقام های رسمی و یا مجازات به جرم این که مورد تجاوز قرار گرفته اند این واقعه را گزارش نمی کنند. مواردی چون بی نزاکتی، بی حرمتی، رفتاری های غیر اخلاقی و یا زنا که این آخری مجازات اعدام دارد نیز گزارش نمی شوند. قربانیان تجاوزات جنسی با ترس و وحشت از انتقام های اجتماعی و یا طرد از جامعه روبرو هستند.

برای محکومیت کسی که متهم به تجاوز جنسی است، قانون ملزم می کند که چهار مرد مسلمان و یا ترکیبی از سه مرد و دو زن و یا دو مرد و چهار زن، شاهد چنین تجاوزی باشند. زن و یا مردی که شهادت نادرستی در مورد تجاوز جنسی بدهد به تحمل 80 ضربه شلاق محکوم می شود. در ژانویه، ایران و ایر از مرگ مشکوک زهرا نویدپور، زنی که سلمان خدادادی رییس کمیته امور اجتماعی مجلس و فرمانده سابق سپاه پاسداران را متهم به تجاوز به خود کرده بود گزارش داد.

در روز 6 ژانویه جسد نوید پور در منزلش پیدا شد؛ و وقتی او را به بیمارستان بردند، پزشکی قانونی دلیلی را برای فوت او ذکر نکرد، که این خود به حدس و گمانه زنی که آیا وی خودکشی کرده و یا به قتل رسیده، دامن زد. نوید پور هنگامی فوت کرد که خدادادی برای یک رابطه نامشروع تحت محاکمه قرار داشت، دادگاه او را به دو سال تبعید، دو سال ممنوعیت از کار دولتی، و 99 ضربه شلاق محکوم کرد؛ هر چند دیوانعالی کشور نهایتاً رای دادگاه پایین تر را مردود اعلام کرد.

در ماه مه رسانه های محلی و بین المللی گزارش دادند که محمد علی نجفی، معاون پیشین رئیس جمهوری و شهردار تهران به کشتن یکی از دو همسر خود با گلوله اقرار کرد. نجفی در سال 2018 و پس از این که از او بعثت شرکت در مجلس رقص دختران جوان انتقاد شده بود از مقام خود بعنوان شهردار تهران استعفا کرده بود. وی ابتدا به جرم قتل محکوم به اعدام شد، اما ظاهراً خویشان همسر مقتولش با رضایت، او را از اعدام معاف کردند، اقدامی که در چارچوب قانون مجاز شمرده می شود. او همچنین محکوم به دو سال حبس برای تملک اسلحه بطور غیر قانونی شد.

قانون ممنوعیتی برای خشونت های خانگی قائل نشده است. مقامهای رسمی بدرفتاری و خشونت خانگی را یک امر خصوصی تلقی می کنند و بندرت سخنی از آن در عموم به میان می آید. در ماه ژوئیه و براساس اظهارات رئیس اداره پزشکی قانونی استان تهران بیش از 16420 مورد گزارش خشونت های خانگی گزارش شده است که نسبت به سال گذشته افزایش نشان میدهد.

مثله کردن و یا ختنه زنان: قانون، ختنه زنان را یک امر کیفری محسوب می کند و تصریح کرده است، "بریدن دو طرف و یا برداشتن قسمتی از آلت جنسی زنان منجر به پرداخت دیه (غرامت نقدی و خون بها) می شود که معادل نصف یک دیه کامل برای جان زن است." اطلاعات کمی در این زمینه وجود دارد، گرچه داده های قدیمی تر و گزارش رسانه ها حاکی از این است که چنین اقدامی بیشتر در استانهای هرمزگان، کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی رایج بوده است.

سایر رویه های سنتی زیانبار: هیچ گزارش رسمی در مورد قتل های ناموسی با انگیره "حفظ آبرو" و یا سایر آداب و رسوم زیانبار در یکسال اخیر دیده نشد، گرچه فعالان حقوق بشری گزارش داده اند که چنین قتل هایی همچنان در مناطق روستایی و قبلیه ای رخ می دهد. قانون، مجازات برای پدران و سایر اعضای خانواده که به جرم قتل و یا ضرب و شتم کودکان و یا خشونت های خانوادگی و از جمله "قتل های ناموسی" محکوم شده اند را کاهش می دهد. اگر مردی بعلت قتل دخترش گناهکار شناخته شده، مجازات میان سه تا ده سال حبس است درحالی که در سایر موارد، حکم اعدام و یا پرداخت دیه برای اشخاصی که مرتکب قتل می شوند به اجرا در می آید.

در 23 اکتبر، شورای نگهبان، آن طور که گزارش شد لایحه ای را تصویب کرد که به سبب آن عاملان "حمله های اسیدی" که معمولاً به صورت یک زن بخاطر عدم رعایت هنجارهای اجتماعی پاشیده می شود، به حبس های طولانی تری محکوم می شوند.

آزارهای جنسی: قانون، آزارهای جنسی را در چارچوب تماس فیزیکی میان مردان و زنان تعریف می کند و تماس میان دو جنس مرد و زن را که با هم خویشی نداشته باشند را ممنوع کرده است. داده های قابل اطمینانی در زمینه آزار جنسی وجود ندارد، اما زنان و فعالان حقوق بشری گزارش هایی را مبنی بر این که آزار جنسی در بسیاری از مراکز کاری معمول است منتشر کرده اند. هیچ تلاش خاصی از سوی دولت تا با این معضل برخورد کند به چشم نمی خورد.

اجبار در کنترل جمعیت: هیچ گزارشی در رابطه با سقط جنین اجباری و نازا سازی اجباری وجود نداشت.

تبعیض: قانون اساسی حمایت برابر برای زنان را منطبق با تعبیر و تفسیر از اسلام پیش بینی کرده است. دولت این قانون را اجرا نکرده و مقررات بخش هایی که بویژه مربوط به قانون

خانواده و اموال می شود تبعیض علیه زنان را روا می دارد. آزار و ایزای قضایی، ارعاب، بازداشت و یا برچسب و بدنام کردن، جامعه مدنی را که برای حقوق زنان مبارزه می کند بطور چشمگیری با چالش روبرو کرده است.

در ماه اکتبر شورای نگهبان اصلاحیه ای را به تصویب رساند که براساس آن قانون مدنی به زنان ایرانی که شوهر خارجی دارند اجازه می دهد تا حق تابعیت را به فرزندانشان منتقل کنند (نگاه کنید به بخش 2.f) احمد میدری، معاون وزارت رفاه اجتماعی، تخمین زده است که در ماه ژانویه 49 هزار کودک از این قانون بهره مند می شوند. دولت ازدواج میان زنان مسلمان و مردان غیر مسلمان را قطع نظر از تابعیت آنان، به رسمیت نمی شناسد. قانون صراحت دارد که زنان و یا دختران باکره که مایل به ازدواج هستند باید رضایت پدر و یا پدربزرگ خود را کسب کنند. قانون به مرد اختیار می دهد تا چهار زن (همسر) و تعداد نا محدود صیغه (ازدواج موقت) داشته باشد، امری که براساس آداب شیعه استوار است که یک زن و مرد می توانند برای مدت محدودی وارد یک قرارداد دینی / مدنی زناشویی شوند، قراردادی که شرایط و جزئیات آن مختصرا شرح داده شده است.

هر زنی حق طلاق دارد بشرطی که هنگام ازدواج، شوهر این حق را طی قراردادی به همسر خود اعطا کند، یا در صورتی که شوهر نتواند خانواده خود را تأمین کند، یا شوهر معتاد به مواد مخدر، دیوانه، یا از لحاظ جنسی ناتوان باشد. شوهر ملزم نیست برای طلاق همسرش دلیل اقامه کند. قانون حق زن مطلقه را به بخشی از اموال شوهر و نفقه به رسمیت می شناسد. این قوانین همیشه اجرا نمی شوند.

دولت کوششهایی را که برای آگاه ساختن زنان درباره حقوقشان نسبت به ازدواج و طلاق به عمل می آید فعالانه سرکوب می کند. به گزارش مرکز اسناد حقوق، در ماه سپتامبر 2018 سازمان اطلاعات سپاه پاسداران هدا عمید یک وکیل حقوق بشر و نجمه واحدی یک جامعه شناس و فعال حقوق زنان را سه روز پیش از برگزاری جلسه ای در باره قوانین ازدواج در ایران که با مجوز



قانونی سازماندهی شده بود بازداشت کرد. یکی از هدفهای کارگاه، آموزش به زنان در باره چگونگی استیفای هر چه بیشتر حقوقشان براساس موافقت نامه های الزام آور پیش از ازدواج بود. قانون به زنان مطلقه حق نگهداری و حضانت کودکان خود را تا سن هفت سالگی اعطا می کند، اما حق سرپرستی قانونی کودکان با پدران است که بسیاری از جنبه های حقوقی زندگی کودک را در بر می گیرد (از جمله صدور مدرک مسافرتی، ثبت نام در مدرسه، و یا تکمیل گزارش پلیس). پس از این که کودک به هفت سالگی رسید، حضانت کودک به پدر واگذار می شود مگر این که ثابت شود پدر قادر به نگهداری از کودک نیست.

زنان گاهی برای ارتکاب جرائمی به مجازات های نامتناسبی و از جمله مرگ برای زنا محکوم می شوند. قانون جزای اسلامی شهادت زن را در دادگاه معادل نصف شهادت یک مرد تلقی می کند و اساساً ارزش زندگی یک زن را برابر با نصف زندگی یک مرد بشمار می آورد. براساس قانون، دیه پرداختی در مورد مرگ یک زن نصف دیه مردی است که جان خود را از دست داده است، اما به هنگام پرداخت بیمه برای فوت زن در تصادف رانندگی استثناً وجود دارد. براساس گزارش مرکز اسناد حقوق بشر، در ماه ژوئیه دولت حقوق مساوی را در مورد خون بهای زن و مرد اعلام کرد. اما حکم دیوانعالی برای مبلغ پرداختی به زنانی که مورد آزار و اذیت عمدی و یا غیرعمدی قرار گرفته اند همچنان نصف میزانی است که مردان دریافت می کنند اما نصف دیگر در مورد زنان از محل دیگری که دولت تامین کرده است پرداخت می شود. زنان دسترسی به تحصیلات ابتدایی و عالییه دارند. معهذاً، سهمیه و سایر محدودیت ها برای پذیرش زنان در برخی از رشته ها و زمینه های تحصیلی وجود دارند.

مرکز آمار ایران گزارش داده است که نرخ بیکاری در میان زنان میان 15 تا 19 سال 35 درصد است. مشارکت زنان در مشاغل گوناگون همچنان پایین و 16 درصد است. در آمد زنان برای کار مشابه براساس گزارش ها 41 درصد از مردان کمتر است. بیکاری در میان زنان کشور دو برابر میزان مردان است.

زنان همچنان با تبعیض در مورد مالکیت خانه و اموال روبرو هستند، و همینطور در دسترسی به منابع مالی. در مورد وراثت، مردان دو برابر زنان ارث می‌برند. دولت در بسیاری از اماکن عمومی تفکیک جنسیتی زن و مرد را اعمال می‌کند. زنان باید از قسمت ویژه ای در وسائل نقلیه عمومی استفاده کنند و حتی محل ویژه ای برای زنان جهت ورود به برخی از ساختمان‌ها، دانشگاه‌ها و فرودگاه‌ها در نظر گرفته شده است.

قانون برای زنانی که در اماکن عمومی بدون پوشش مناسب مثل روسری (حجاب)؛ و یا یک پوشش بلند (مانتو)، و یا یک پوشش سراسری (چادر) ظاهر می‌شوند را به مجازاتهایی همچون شلاق و یا جریمه نقدی محکوم می‌کند. در حالی که تعریف مشخص و قانونی از "پوشش مناسب" و یا مجازات مربوط به آن وجود ندارد، ملاک و معیار، نظر ماموران انتظامی گوناگون از جمله نیروهای امنیتی، پلیس و یا قضات خواهد بود.

در ماه مه، مرکز اسناد حقوق بشر ایران گزارش داد که نیروهای انتظامی 30 نفر زن و مرد که در خانه ای در شهر گرگان سرگرم یوگا بوده اند را دستگیر کرده اند. این افراد متهم به پوشیدن "لباسهای نادرست" که سرگرم "فعالیت‌های ناپسند" بوده اند شدند. تعدادی از افراد گزارش داده اند که چنین بازداشت‌هایی در کشور غیرمعمول نیست اما مقامهای رسمی ندرتا به آن اشاره می‌کنند. تظاهرات، ضرب و شتم، و بازداشت‌ها در طول سال همچنان ادامه دارد در حالی که نیروهای امنیتی تظاهرات صلح‌آمیز مردم را علیه محدودیت‌های پوششی سرکوب می‌کنند. مرکز اسناد حقوق بشر گزارش داده است که از سال 2018 دست کم 44 زن که علیه حجاب اجباری دست به تظاهرات صلح‌آمیز زده بودند دستگیر شده اند. طبق گزارش رسانه‌ها در ماه ژوئن، دولت از تشکیل 2000 واحد جدید به نام پلیس اخلاق برای مدیریت آن چه مقامات "افزایش نافرمانی" در مورد حجاب اجباری خواندند خبر داد.

در ماه آوریل نیروهای امنیتی یاسمن آریانی و مادرش منیره عربشاهی و مژگان کشاورز را پس از این که یک ویدئوی مربوط به روز بین المللی زن را پست کرده بودند دستگیر کردند. در ویدئو زنانی را نشان می داد که بدون روسری در متروی تهران به مسافران زن گل اهدا می کردند. تعدادی از رسانه ها گزارش دادند که در ماه اوت دادگاه انقلاب عربشاهی، آریانی، و کشاورز را به اتهام تبلیغ علیه نظام و "اشاعه فساد و فحشا" به ترتیب به 16، 16 و 23 سال حبس محکوم کرد.

در ماه مه، مرکز اسناد حقوق بشر ایران گزارش داد که مسئولین ویدا موحدی را پس از هشت ماه حبس که بخاطر تظاهرات صلح آمیز علیه حجاب اجباری توقیف شده بود را آزاد کردند. موحدی ابتدا در ماه اکتبر 2018 پس از اینکه در خیابان انقلاب روی سکوی بلندی ایستاد، روسری خود را برداشت و آن را به سر چوبی کرد و به نشانه اعتراض آن را تکان می داد، دستگیر شده بود. در 22 ژوئن، براساس یک ویدئو که توسط مسیح علی نژاد فعال سیاسی در اینستاگرام پست شده بود، نشام میدهد پلیس های لباس شخصی، یک دختر 15 ساله را با خشونت به داخل اتومبیل پلیس می کشانند، صرفا به این خاطر که دستور پلیس را دایر بر رعایت حجاب اجباری نادیده گرفته است. پلیس تهران پس از دو روز، دستگیری این فرد را تایید کرد و گفت این دختر و چهار تن از دوستانش پس از خود داری از رعایت نزاکت عمومی و حفظ پوشش درست، به "ماموران توهین کرده اند".

طبق گزارش های بین المللی رسانه ها، در ماه ژوئن ماموران امنیتی به زنانی که تلاش داشتند وارد استادیومی در تهران شوند تا یک مسابقه فوتبال میان ایران و سوریه را تماشا کنند، حمله کردند. در سپتامبر، سحر خدایاری معروف به "دختر آبی" جان خود را در نتیجه خود سوزی از دست داد. پلیس سحر را به اتهام "پوشش نامناسب" و همین طور بخاطر به چالش کشیدن قانون منع شرکت زنان در مسابقات ورزشی دستگیر و سپس او را از زندان قرچک با قید وثیقه آزاد کرده بود. پس از خودکشی خدایاری و فشار زیاد از سوی فیفا، دولت ورود تقریبا 3500 نفر از

## ایران

زنان را برای شرکت در مسابقه فوتبال میان کامبوج و ایران در دهم اکتبر در استادیوم آزادی مجاز اعلام کرد، استادیومی که تخمین زده می شود ظرفیت 78 هزار تماشاچی را دارد. عفو بین الملل اقدام دقیقه آخر دولت ایران را "یک شیرین کاری تبلیغاتی خواند" تا بلکه آبروی رفته را بخاطر خود کشتی خدایاری، باز یابد.

همانطور که پیش از این گزارشگر ویژه سازمان ملل و سایر سازمان ها اظهار کرده اند، ورزشکاران زن عموماً از شرکت در مسابقات بین المللی توسط مراکز ورزشی و یا توسط شوهرانشان منع شده اند. در عین حال، مواردی در طول سال نشان می دهد که ورزشکاران زن اجازه یافته اند تا در مسابقات بین المللی به رقابت پردازند.

## کودکان

**ثبت تولد:** تا پیش از ماه اکتبر فقط پدر یک کودک می توانست تابعیت خود را به فرزندش منتقل کند صرف نظر از کشوری که کودک در آنجا به دنیا آمده یا کشوری که مادرش تبعه آن جا است. قانون تصویب شده در ماه اکتبر به مادر کودکان این حق را داد تا برای تابعیت فرزندان که پدرشان تابعیت کشورهای خارجی دارند اقدام کند (بخش 2.f) و (بخش 6، زنان). قانون جدید همچنین تصریح می کند تا (متقاضی) پیش از تصویب، از سازمان های امنیتی درخواست عدم سوء پیشینه کند. تولد در داخل مرزهای کشور لزوماً تابعیت به همراه نمی آورد، مگر اینکه کودک از پدر و مادری نامعلوم زاده شود. قانون ملزم می کند که تولد نوزادان ظرف ۱۵ روز به ثبت برسد.

**تحصیل:** هر چند تحصیل در دبستان تا سن ۱۱ سالگی برای همگان رایگان و اجباری است، به گزارش رسانه ها و دیگر منابع، میزان ثبت نام در روستاها، بویژه در مورد دختران، پایین تر است.

کودکان فاقد کارت هویت صادره در کشور از حق تحصیل برخوردار نمی شوند. خانم جهانگیر، گزارشگر سابق و ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، در گزارش مارس ۲۰۱۸ خود گفت که در استان سیستان و بلوچستان وزیران کابینه از وزارت آموزش و پرورش خواستند کارت ویژه ای برای کودکانی که شناسنامه ندارند صادر شود تا آن ها بتوانند به مدرسه بروند. نتیجتاً بیش از ۲۰ هزار کودک که این کارت را دریافت کردند توانستند در مدرسه نامنویسی کنند و ۱۹ هزار نفر از آنها موفق شدند به تحصیل پردازند. رحمان، گزارشگر فعلی حقوق بشر سازمان ملل در گزارش ماه فوریه خود از دسترسی به تحصیلات کودکان اقلیت ها ابراز نگرانی کرد. این نگرانی شامل کودکان مدارس ابتدایی و نرخ بالای ترک مدرسه برای دختران گروه های قومی اقلیتی که در استان های مرزی زندگی می کنند می شود.

**بدرفتاری با کودکان:** اطلاعات چندانی موجود نبود تا نشان دهد دولت با مساله بدرفتاری با کودکان که عمدتاً یک موضوع خصوصی خانوادگی محسوب می شود چگونه برخورد می کند. قانون می گوید "هر نوع بد رفتاری با کودکان و نوجوانان که به آن ها آسیب بدنی یا روانی یا اخلاقی وارد کند ممنوع است" و مرتکبین چنین جرم هایی سزاوار حداکثر سه ماه حبس یا ۱۰ میلیون ریال (معادل ۲۳۰ دلار آمریکا) جریمه اند.

**ازدواج زودرس و اجباری:** حد اقل سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۳ سال است اما حتی دختران ۹ ساله را نیز می توان با اجازه دادگاه و پدرشان، شوهر داد. گزارش سال ۲۰۱۸ یونیسف در باره وضعیت کودکان می گوید ۱۷ درصد از دختران پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی شوهر داده می شوند و تقریباً ۴۰ هزار نفر پیش از رسیدن به ۱۵ سالگی به خانه شوهر می روند. خانم جهانگیر، گزارشگر سابق ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، در گزارش خود در ماه مارس ۲۰۱۸ گفت که تعداد احتمالاً بیشتر است زیرا هزاران ازدواج پیش از سن قانونی به ثبت نمی رسد. این مساله نهایتاً تبدیل به یک مناظره ملی در ماه فوریه شد هنگامی که

یک سازمان خیریه در مورد دختری 11 ساله به نام "رها" گزارش داد که مردی 50 ساله به "رها" تجاوز کرده و رها مجبور می شود تا با مرد تجاوزگر ازدواج کند. مقام ها بعدا گزارش دادند که مرد مذکور در 11 فوریه دستگیر و ازدواج وی نیز فسخ شد.

استثمار جنسی کودکان: سن قانونی برای داشتن رابطه جنسی مورد توافق طرفین همان سن تعیین شده برای ازدواج است زیرا رابطه جنسی خارج از ازدواج، غیرقانونی شناخته میشود. در مورد مجازات استثمار جنسی کودکان هیچ قانونی وجود ندارد و این گونه جرمها در زمره بدرفتاری با کودکان، یا جرائم جنسی زنا قرار میگیرد. قانون مستقیماً نه بدرفتاری جنسی را تعریف می کند و نه مجازاتی را برای آن تعیین کرده است.

طبق گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ابهام حقوقی بین بدرفتاری با کودکان و آزار جنسی ممکن است سبب شود که پروندههای آزار جنسی کودکان طبق قوانین زنا پیگیری شود. در حالیکه هیچ قانون جداگانه ای در مورد مجازات تجاوز به عنف به یک کودک وجود ندارد، جرم تجاوز به عنف صرفنظر از سن قربانی، بالقوه مجازات اعدام است.

**کودکان آواره:** هزاران کودک آواره افغان در ایران به سر میبرند که بسیاری از آنها در ایران به دنیا آمده ولی شناسنامه ای دریافت نکردند. این کودکان غالباً نمی توانستند به مدرسه بروند یا از خدمات اولیه دولت استفاده کنند و در نتیجه برای استثمار و قاچاق آسیب پذیر بودند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد می گوید عموماً ثبت نام در مدارس در 20 شهرک بالاتر بود، جایی که منابع بیشتری در دسترس بود و جایی که 97 درصد از پناهندگان زندگی می کردند.

کودک ربایی بین‌المللی: ایران "معاهده سال ۱۹۸۰ لاهه در مورد جنبه‌های مدنی کودک ربائی بین‌المللی" را امضا نکرده است. به "گزارش سالانه وزارت امور خارجه آمریکا درباره ربوده شدن کودکان توسط پدر و مادرانشان" به این وبسایت رجوع کنید:

<https://travel.state.gov/content/travel/en/International-Parental-Child-Abduction/for-providers/legal-reports-and-data/reported-cases.html>.

## یهودستیزی

قانون ایران کلیمیان را به عنوان یک اقلیت مذهبی به رسمیت می‌شناسد و به آنها اجازه داده در مجلس نماینده داشته باشند. براساس کمیته کلیمیان تهران، جمعیت این اقلیت تقریباً ۹ هزار نفر است. اعضای جامعه یهودیان گفته می‌شود تابع برخی از محدودیتهای دولتی و تبعیض اند. مقامهای رسمی دولتی همچنان واقعه تاریخی هولوکاست را زیر سوال برده اند و یهودستیزی همچنان امری فراگیر باقی مانده است. در ماه مه رئیس جمهور روحانی با اشاره به اینکه "منافع غرب" توسط یهودیان کنترل و حمایت می‌شود گفت متن سخنرانی رهبرانی که از ایران انتقاد می‌کنند "کلمه به کلمه توسط صهیونیست ها نوشته می‌شود." کاریکاتورهای رسانه های دولتی کرارا رهبران خارجی را عروسک و دست نشانده ای ترسیم می‌کنند که توسط یهودیان کنترل می‌شوند.

## قاچاق انسان

نگاه کنید به گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در باره قاچاق انسان‌ها در:

<https://www.state.gov/trafficking-in-persons-report/>.

## معلولین

مجلس در سال 2018 "قانون حمایت از حقوق معلولان" را تصویب کرد. به گزارش دیده بان حقوق بشر قانون، حقوق بازنشستگان معلول را افزایش داد و حدود پوشش بیمه را نیز گسترش داد تا خدمات درمانی مرتبط با معلولیت را در بر بگیرد اما تبعیض را صریحا منع نمی کند. در مورد کارآئی مقامات در اجرای قانون اطلاعی در دست نیست. قانون کسانی را که از حیث بینائی، شنوایی یا گویش مشکلاتی دارند از نامزد شدن برای عضویت در مجلس منع می کند. در حالی که قانون آموزش های حرفه ای را برای معلولان به هزینه دولت تامین می کند. طبق گزارش رسانه های داخلی، مراکز حرفه ای در نواحی شهری واقع شده اند و بنابراین نیازهای تمام جمعیت معلولان را برآورده نمی کند.

در اکتبر دیده بان حقوق بشر و مرکز اسناد ایران گزارش کرد که معلولین همچنان از جامعه جدا مانده اند، یک مانع اصلی آزمایش های اجباری پزشکی دولت است که می تواند کودکان را از نظام آموزشی دولتی محروم کند. معلولین همچنین با ننگ تبعیض از سوی مددکاران اجتماعی، کارکنان خدمات درمانی و دیگران مواجه اند. بسیاری از معلولین قادر به مشارکت های اجتماعی براساس حقوق برابر نیستند. قانون، دسترسی عمومی را به ساختمان های دولتی تامین کرده است و به نظر می رسد که ساختمان های جدید این معیارها را رعایت کرده اند. همچنین برای تأمین دسترسی بیشتر معلولین به اماکن تاریخی کوشش هایی به چشم می خورد. ساختمان های دولتی قدیمی که پیش از ضوابط فعلی ساخته شده اند عمدتا خارج از دسترس باقی مانده اند و دسترسی معلولین به ساختمان های عمومی به صورت یک مشکل باقیست. دسترسی معلولین به سایر ساختمان ها از جمله دسترسی به توالت برای افراد معلول همچنان مشکل است. همچنین افراد معلول دسترسی محدودی به فعالیت های اطلاعاتی، آموزشی و فعالیت های محلی دارند. مرکز اسناد حقوق بشر ایران همچنین در سال 2018 گزارش داد که پناهندگان معلول بویژه کودکان، غالبا از استفاده از خدمات محدود دولتی محروم می شوند و یا این که این گونه خدمات شامل آنها نمی شود.



## اقلیت‌های ملی/نژادی/قومی

قانون اساسی برای همه اقلیت‌های قومی حقوق برابر قائل شده و اجازه می‌دهد زبان اقلیت‌ها در رسانه‌ها به کار رود. قانون اجازه می‌دهد تا شهروندان، زبان و لهجه خود را بیاموزند، تدریس کنند و یا آن را بکار گیرند. اما در عمل، اقلیت‌ها از حقوق برابر بهره‌مند نیستند، و دولت پیوسته آنها را از کاربرد زبانشان در مدارس به عنوان زبان آموزش باز می‌دارد. دولت، گروه‌های اقلیت، از جمله گُردها، اهوازی‌ها، آذری‌ها و بلوچی‌ها را به میزان نامتناسبی هدف بازداشت‌های خودسرانه، توقیف‌های طولانی، و بدرفتاری فیزیکی قرار می‌داد. این گروه‌های اقلیت قومی گزارش داده‌اند که مورد تبعیض سیاسی و اجتماعی-اقتصادی، بویژه از جهت دسترسی به کمک‌های اقتصادی، کسب پروانه کار، ورود به دانشگاه‌ها، فرصت‌های شغلی، اجازه نشر کتاب، و حق مالکیت مسکن و زمین، قرار می‌گیرند.

شکایت گسترده دیگر میان گروه‌های اقلیت قومی، بویژه در میان اهوازی‌ها، آذری‌ها و لر‌ها این بود که دولت منابع طبیعی، بویژه مسیر آب را غالباً به خاطر منفعت پیمانکاران وابسته به سپاه پاسداران منحرف و سوءمدیریت می‌کرد. طبق گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی و گروه‌های مدافع حقوق بشر، این رویه‌ها محیط زیست محلی را که کشاورزان و دیگران برای امرار معاش و رفاه خود استفاده می‌کردند نابود کرد که لاجرم به مهاجرت اجباری و حاشیه‌نشینی آنان منجر شده است.

با توجه به اینکه قانون تفتیش اعتقادات مذهبی را برای بیعت با مفهوم "ولایت فقیه" که در اهل سنت وجود ندارد تصریح کرده است، امکان مشارکت پیروان اهل سنت را (که بسیاری از آنها بلوچ، اهوازی، یا گُرد هستند) در فعالیت‌های مدنی و اشتغال در برخی از رشته‌ها تضعیف کرده است.

سازمان‌های مدافع حقوق بشر، ملاحظه کرده اند که دولت مجازات مرگ را در مورد اقلیت‌های قومی به میزان نامتناسبی اعمال می‌کند. طبق گزارش‌ها، مقامات افراد بازداشت شده در انتظار محاکمه را اگر از اعضای اقلیت‌های قومی و مذهبی باشند، صرفنظر از اینکه چه جرمی مرتکب شده اند بیش از سایر زندانیان مورد شکنجه و مجازات‌های بدنی قرار می‌دهند.

تقریباً هشت میلیون شهروند کرد در کشور غالباً برای کسب خودمختاری منطقه‌ای بیشتر مبارزه می‌کنند. دولت به استفاده از قانون برای بازداشت و پیگرد قانونی کرده‌ها ادامه می‌دهد که خواهان برخورداری از حق آزادی بیان و آزادی تشکل‌اند. طبق گزارش‌ها، دولت انتشار روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها به زبان کردی را منع کرده و ناشران، روزنامه‌نگاران، و نویسندگان را به دلیل مخالفت و انتقاد از سیاست‌های دولت مجازات می‌کند.

مقامات، فعالیت‌های مشروع سازمان‌های غیردولتی کرد را با امتناع از صدور مجوز ثبت سرکوب می‌کند یا اتهامات امنیتی علیه کسانی اقامه می‌کند که با اینگونه سازمان‌ها همکاری می‌کنند. مقامات ضمن این که زبان کردی را ممنوع نکردند اما اجازه تدریس زبان کردی را در مدارس نمی‌دهند. رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در گزارش ماه ژوئیه خود می‌گوید زهرا محمدی معلم زبان کردی در 23 ماه مه برای تدریس خصوصی زبان کردی بدون مجوز در شهر سنندج بازداشت شد.

براساس همان گزارش در شش ماه اول سال، 115 شهروند کرد برای اتهاماتی مربوط به عضویت در یک سازمان سیاسی دستگیر و 84 تن دیگر برای شرکت در یک فعالیت مدنی چون سازماندهی جشن‌های نوروزی و یا شرکت در شبکه‌های مجازی بازداشت شدند. ناظران بین‌المللی حقوق بشری از جمله سازمان بین‌المللی منابع انسانی و توسعه گزارش داده‌اند که جمعیت دو میلیونی عرب‌های اهوازی متشکل از 110 قبیله با سرکوب و تبعیض دولت مواجه‌اند. فعالان حقوق بشر اهوازی گزارش داده‌اند که دولت به مصادره املاک اهوازی‌ها برای انجام پروژه

های دولتی ادامه داد و از به رسمیت شناختن اسناد مالکیت اهالی محل که در دوره پیش از انقلاب اسلامی صادر شده بود امتناع می کند.

براساس گزارش رحمان گزارشگر سازمان ملل متحد، دفتر او در ماه ژوئیه اطلاعاتی دریافت کرد که سپاه پاسداران در تغییر مسیر سیل در بهار به سمت مزارع کشاورزان دست داشت تا از تخریب تجهیزات نفتی در استان خوزستان جلوگیری شود. در ماه آوریل، به گزارش رسانه ها و سازمان های غیردولتی پلیس کاربران شبکه های مجازی و داوطلبان عرب برای کمک به سیل زدگان را به اتهام "انتشار اخبار انحرافی و شایعه در باره سیل" بازداشت کرد. این افراد همچنان در خوزستان در بازداشت بسر می برند.

گروههای حقوق بشری اهوازی ها همچنین گزارش داده اند که دولت صدها اهوازی را در پی حمله سپتامبر 2018 به یک رژه نظامی در اهواز دستگیر کرد. (برآوردها در مورد تعداد بازداشت شدگان در نوامبر 2018 بین 600 تا 800 نفر است). در حالی که تسنیم خبرگزاری دولتی تعداد بازداشتی ها را 22 نفر در ارتباط با حمله (نگاه کنید به بخش a . 1) اعلام کرد. گروههای حقوق بشری اهوازی همچنین در باره موارد شکنجه های بازداشت شدگان در بازداشتگاه وزارت اطلاعات اهواز گزارش دادند.

قوم آذری که تعدادشان بیش از ۱۸ میلیون نفر یا تقریباً یا حدوداً معادل ۲۳ تا ۲۵ در صد جمعیت کشور است، در حکومت و جامعه بیشتر از سایر اقلیت های قومی ادغام شده اند و رهبر را هم شامل می شود. آذری ها گزارش کردند که دولت با ایذا فعالان یا سازمان های آذری و تغییر اسامی جغرافیائی آذری علیه آنها تبعیض روا می دارد

رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد می گوید گزارش ماه ژوئیه وی حاکی از بازداشت 82 آذری به اتهامی مربوط به امنیت ملی است که برخی از آنان به شش سال حبس محکوم شدند. این

رقم شامل فعالان و حامیان بازداشت شده باشگاه فوتبال تیراکستور است که در تاریخ دوم ماه مه در استادیومی در تبریز شعارهایی به طرفداری از آذری ها سر داده بودند. براساس گزارش ها دولت تلاش کرد تا از یک همایش سالانه با حضور هزاران نفر که اکثرا فعالان آذری بودند در قلعه بابک خرمدين جلوگیری کند. هر ساله مردم با تجمع صلح آمیز روز تولد این شخصیت تاریخی را جشن می گیرند. این تجمع رگه هایی از ناسیونالیزم آذری را در خود دارد. به گزارش سازمان عفو بین الملل یک دانشجوی حقوق بنام ابراهیم نوری برای سی امین بار در قلعه بابک خرمدين بازداشت شد. اتهام وی تبلیغ علیه دولت با نیت جدا طلبی آذربایجان ذکر شده است.

گروه های حقوق بشری محلی و بین المللی، از تبعیض علیه قوم اقلیت بلوچ که جمعیت آنان میان یک ونیم تا دو میلیون نفر تخمین زده می شود خبر می دهند. مناطقی با جمعیت بالای بلوچ که شدیداً تحت شرایط دشواری بسر می برند، دسترسی بسیار محدودی به تحصیلات، اشتغال، بهداشت و مسکن دارند. فعالان بلوچ گزارش می دهند که 70 درصد جمعیت بلوچ زیر خط فقرند. براساس گزارش ها، سنی های بلوچ با محدودیت های شغلی و مشارکت های سیاسی روبرو هستند. فعالان گزارش داده اند که در طول سال دولت صدها مبلغ مذهبی شیعی را به نواحی پر جمعیت سنی بلوچ اعزام می کنند تا بکوشند جمعیت محل را به آیین تشییع در آورند. فعالان حقوق بلوچ ها گزارش می کنند که روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر بلوچی با بازداشت خودسرانه؛ بد رفتاری فیزیکی و محاکمات غیر عادلانه روبرو بوده اند.

### اَعمالِ خشونت، تبعیض، و دیگر بد رفتاری ها بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی

روابط جنسی مرضی الطرفین دو همجنس از دیدگاه قانون جرم شناخته می شود و برای آن مجازات اعدام، شلاق یا یک تنبیه خفیف تر تعیین می شود. قانون بین رابطه جنسی دو همجنس با رضایت متقابل یا بدون رضایت طرفین تمایزی قائل نیست و به گزارش سازمان های غیر دولتی همین عدم شفافیت سبب می شود که هم فاعل و هم مفعول در مواردی که تجاوز خوانده می شود به

## ایران

یک اندازه مسئول شناخته شوند. تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی در قانون منع نشده است.

بر اساس گزارش های بین المللی و داخلی در طول سال دستکم یک فرد متهم به ارتکاب به لواط، اعدام شده است. در حالی که جزییات چندانی در این موارد در دست نیست، فعالان همجنسگرا، دو جنسی یا فرا جنسی (ال جی بی تی آی) با ابراز نگرانی می گویند دولت افراد فراجنسی را به اتهام های جدی و شدید و عجیبی همچون تجاوز به عنف اعدام می کنند. در ماه ژوئن بنظر رسید که وزیر خارجه از اعدام این افراد دفاع کرد. هنگامی که روزنامه نگاری در آلمان از او پرسید که چرا شما در کشورتان "همجنسگرایان" را اعدام می کنید وی در پاسخ گفت: "جامعه ما پایبند به اصول اخلاقی است و ما بر اساس این اصول زندگی می کنیم. این اصول اخلاقی در رابطه با رفتار مردم در کل جامعه است و به این معنی که قانون محترم است و باید از آن اطاعت شود."

نیروهای امنیتی افرادی که مظنون به همجنسگرایی یا فراجنسیتی هستند را ایذا، بازداشت و حبس می کنند. در پاره ای موارد، نیروهای امنیتی به درون خانه ها هجوم می بردند و در سایت های اینترنتی آن ها دنبال اطلاعات درباره اشخاصی که به زعم آنها همجنسگرا، دو جنسی یا فراجنسی بودند می گشتند. آن هائی که به لواط متهم می شدند غالباً تحت محاکمه عاجل قرار می گرفتند و معیارهای مربوط به گردآوری شواهد در همه موارد مراعات نمی شد. گروه فعال ایرانی ال جی بی تی آی به نام ۶-رنگ خاطر نشان کرد افرادی که تحت این شرایط بازداشت می شوند معمولاً تحت معاینات اجباری مقعد یا لواط قرار می گرفتند که به گفته سازمان بهداشت جهانی می توان آن را شکنجه و رفتار تحقیر آمیز و اهانت های جنسی نامید. مجازات فعالیت جنسی بین دو مرد شدیدتر از روابط جنسی میان دو زن است.

دولت همه مطالب مربوط به مسائل ال جی بی تی آی را سانسور می کند. مقامات بویژه وب سایت هائی که به موضوعات مربوط به پدیده ال جی بی تی آی مربوط می شود یا محتوای سایت های مربوط به پدیده ال جی بی تی آی مانند سایت اطلاعاتی ویکیپدیا را سانسور و یا

گزارش و کارکرد حقوق بشر کشور در سال 2019

وزارت امور خارجه ایالات متحده - دفتر دموکراسی، حقوق بشر و کار

مسدود می کنند. سازمان‌های فعال غیردولتی مدافع حقوق ال جی بی تی آی ها در کشور وجود دارند که تعدادی از آنها بازداشت شده و یا اینکه به فعالیتهای مربوط به ال جی بی تی آی متهم شده اند.

در 13 دسامبر رادیو فردا گزارش داد که رضوانه محمدی فعال برابری جنسی، در شعبه 28 دادگاه انقلاب در تهران که ریاست دادگاه با قاضی محمد مقیسه بود به اتهام " تبانی علیه امنیت ملی توسط عادی ساختن روابط همجنسگرایی" به پنج سال حبس محکوم شد. سازمانهای غیردولتی به این نکته توجه کردند که چنین اتهامی برای نخستین بار بود که یک فعال اجتماعی با آن روبرو می شد. براساس گزارش مرکز اسناد حقوق بشر، مقام ها، محمدی را در ماه سپتامبر 2018 دستگیر کرده که برای چند هفته در یک سلول انفرادی در زندان اوین نگاه داشته شد، جایی که وی تحت فشار از جمله تجاوز قرار گرفت تا به گرفتن پول برای سرنگونی دولت اقرار کند. قوانین مربوط به جرائم ناشی از نفرت یا ساختار دیگری برای امور جنائی که به تعقیب جرائم با انگیزه تبعیض است، وجود نداشت.

قانون قید می کند که همه افراد ذکور بالای ۱۸ سال موظف به خدمت سربازی در ارتش اند؛ اما قانون همجنسگرایان مرد و فراجنسی‌های زن را از این خدمت معاف می‌سازد، زیرا آنها در زمره بیماران روانی به شمار می‌آیند. کارت‌های جدید خدمت در نظام وظیفه اشاره به این بند فرعی و معافیت آنان دارد. به گفته سازمان غیر دولتی «گروه ۶ رنگ»، این رویه که گرایش‌های جنسی افراد را افشا می کند، آنها را در معرض خطرات متعددی از جمله آسیب بدنی و تبعیض قرار می‌دهد. سازمان‌های غیردولتی گزارش کردند که مقامات به افراد ال جی بی تی آی فشار آورده تا به جراحی تغییر گرایش جنسی تن دهند.

طبق گزارشی در ماه ژوئیه توسط سازمان‌های غیردولتی تعداد درمانگاههای نیمه دولتی روانشناسی و روانکاوی که به اقداماتی تحت عنوان "درمانهای اصلاحی" و همین‌طور اقدامات ترمیمی در مورد افراد ال جی بی تی آی دست زده اند رو به افزایش است. این گروه‌ها گزارش

کردند که استفاده از شوک برقی در ناحیه دستان و آلت تناسلی ال جی بی تی آی ها ، تجویز داروهای تحریک جنسی روانی ، هیپنوتیسم، و استمنای اجباری در برابر تصاویر جنس مخالف طبق آن گزارش، چنین تشکیلات را میتوان «انجمن معتادان جنسی بی هویت ایران» نامید که در ۱۸ استان شعباتی دارد.

### ننگ اجتماعی ناشی از «اچ.آی.وی.» و ایدز

برغم برنامه‌های دولت برای درمان مبتلایان به «اچ.آی.وی./ ایدز» و تامین کمک‌های مالی و غیره به آنها، منابع و سازمان‌های خبری بین‌المللی گزارش می‌کردند که افراد مبتلا به «اچ.آی.وی./ ایدز» با تبعیض گسترده اجتماعی، مواجه بودند. برای مثال، مبتلایان به «اچ.آی.وی./ ایدز» کماکان از استخدام به شغل معلمی در مدارس محروم می‌شدند.

### بخش ۷. حقوق کارگران

#### a. آزادی تشکل و حق چانه‌زنی جمعی

قانون اساسی کشور آزادی تشکل را پیش‌بینی کرده اما نه قانون اساسی و نه قوانین کار، هیچکدام حقوق اتحادیه کارگری را مشخص نمی‌سازد. قانون می‌گوید که کارگران می‌توانند یک شورای کار اسلامی یا یک صنف در محل کار خود تشکیل دهند اما حقوق و مسئولیت‌های این تشکل‌ها بسیار پایین‌تر از معیارهای بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری است. در کارگاه‌هایی که کارگران یک شورای کار اسلامی تأسیس کرده بودند، مقامات هیچگونه نمایندگی دیگری از سوی کارگران را مجاز نمی‌دانستند. قانون ملزم می‌ساخت که تشکل و انعقاد قراردادهای جمعی شامل حق اعتصاب نباشد. اعتصابات در کلیه بخش‌ها ممنوع بود اما کارگران

بخش خصوصی می توانستند داخل کارگاه خود فعالیت های "مسالمت آمیز" انجام بدهند. این قانون شامل حال موسساتی که کمتر از ۱۰ کارمند داشتند نمی شد.

مقامات به آزادی تشکل و حق چانه زنی جمعی احترام نمی گذارند و دولت قوانین موضوعه را بشکل موثری اعمال نمی کرد. دولت آزادی تشکل را شدیداً محدود کرده و در تلاش های کارگران برای تشکل و سازماندهی مداخله می کند. فعالیت برای حقوق کارگران یک تخلف علیه امنیت ملی تلقی می شد که با مجازات های شدید از جمله اعدام همراه است. قانون تبعیض علیه اتحادیه ها را منع نمی کرد و اعاده وضعیت کارگران اخراج شده را به دلیل فعالیت اتحادیه ای الزامی نمی دانست.

تبعیض علیه اتحادیه ها رخ می دهد و دولت رهبران اتحادیه کارگری، فعالان حقوق کارگران و روزنامه نگاران را در طول یک تظاهرات گسترده سرکوب، آزار و اذیت می کرد. اتحادیه های کارگری مستقل در معرض بازداشت های خودسرانه، شکنجه و محکومیت های شدیدی بوده اند. براساس گزارش رسانه ها و سازمانهای غیر دولتی در روز اول ماه مه، که روز جهانی کارگر است، پلیس طی یک حمله خشونت آمیز به یک تظاهرات صلح آمیز برای حقوق کارگران، 35 فعال کارگری را دستگیر کرد. این تظاهرات که در برابر مجلس برگزار شد توسط 20 سازمان کارگری مستقل سازماندهی شده بود. دولت همچنین مانع برگزاری تجمع معلمان برای بزرگداشت روز جهانی کارگر شده بود. چند تن از معلمان مشهور و فعالان کارگری همچنان در زندان اند و در انتظار حکم محکومیت های خود بسر می برند از جمله محمود بهشتی لنگرودی (به ذیل رجوع کنید)

وزارت کشور، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و سازمان اطلاعات اسلامی باید اساسنامه، مقررات اجرائی و رویه انتخابات شوراهای کارگری را تعیین می کردند. رویه های اداری و قضائی آن ها طولانی بود. و تقاضای رسیدگی کارگران از آن نهادها را تابع تجدید نظر از این نهادها می کرد که اگر مجاز می شد مشمول تاخیرهای طولانی می بود. خانه کارگران تنها سازمان



## ایران

کارگری سراسری رسمی مجاز در کشور بود و رهبری آن فعالیت‌ها را نظارت و با شوراهای کارگری اسلامی در سازمان‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی با بیش از ۳۵ کارمند، هماهنگ می‌کرد.

به گفته نهاد غیردولتی مرکز اسناد حقوق بشر در ایران، شوراهای کارگری مشتمل بر نمایندگان کارگران و نمایندگان مدیریت، اساساً اتحادیه‌های اداره شده توسط مدیریت به شمار می‌رفتند که کوشش‌های کارگران را برای حفظ اتحادیه‌های مستقل تضعیف می‌کردند. با این حال، شوراها گاهی موفق می‌شدند مانع از بیکار شدن‌ها و اخراج کارگران شوند. سازمان‌های حقوق بشر گزارش می‌کردند که کارفرمایان معمولاً فعالان امور کارگران را به دلیل فعالیت‌هایشان برای اتحادیه‌های کارگری اخراج می‌کردند. سازمانی وجود نداشت که نماینده کارگران غیر شهروند، باشد.

طبق گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی، نیروهای امنیتی با بازداشت‌های خودسرانه و خشونت به تلاش‌های کارگران جهت تشکل و دست زدن به اعتصاب پاسخ می‌دادند. با بدتر شدن شرایط اقتصادی اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری در طول سال بیشمار و در سراسر کشور گسترده بود که اغلب با واکنش شدید پلیس روبرو شد. نیروهای امنیتی کارگاه‌های عمده را مرتباً زیر نظر می‌گرفتند. به گزارش مرکز اسناد حقوق بشر در ایران کارگران به دلیل اعتصاب معمولاً اخراج می‌شدند و با خطر بازداشت مواجه می‌شدند و رهبران کارگران که در راستای تشکل کارگران کوشا بودند به جرائم ضد امنیت ملی متهم می‌شدند.

تعداد زیادی از سازمان‌های مدافع حقوق بشر از جمله مرکز اسناد حقوق بشر ایران گزارش کردند که در اواخر سال ۲۰۱۸، پی اعتراضات ماه‌های قبل، بیش از ۶۰ کارگر در گروه صنعتی فولاد اهواز، استان خوزستان به دلیل اینکه خواستار دریافت دستمزد‌های معوقه خود که سه ماه پرداخت نشده بود بازداشت شدند. اتحادیه آزاد کارگران اعمال نیروهای امنیتی را "وحشیانه‌ترین" بورش شبانه توصیف کرد.

طبق گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران، نیروهای امنیتی در اوت سال ۲۰۱۸ اعتراضات در کارخانه شکر هفت تپه در جنوب شرقی کشور را با خشونت سرکوب کردند. هفت تپه، بزرگترین کارخانه تولید شکر کشور، محل اعتراضات مداوم علیه عدم پرداخت دستمزدها و مزایای کارگران در مدت بیش از دو سال بود. طبق گزارش مرکز اسناد حقوق بشر در ایران، کارکنان هفت تپه از ماه مه تا آن زمان حقوق خود را دریافت نکرده بودند. به گزارش مرکز دستکم پنج کارگر بازداشت و به جرائم مربوط به امنیت ملی متهم شده بودند اما بعداً در پی مذاکرات بین نمایندگان کارگران و مقامات قضائی به قید ضمانت آزاد شدند. در ماه مه اعتراضات دوباره بالا گرفت که واکنشی بود نسبت به اعلام کیفرخواست مشترک علیه پنج ژورنالیست و دو فعال حقوق بشر: سپیده قلیان، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الله یاری، علی امیرقلی، عسل محمدی، اسماعیل بخشی و علی نجاتی که به "تجمع و تبانی علیه امنیت ملی"، "تشکیل گروه به نیت مختل کردن امنیت ملی" و "تماس با سازمان های ضد دولتی" متهم شدند.

طبق گزارش های سازمان های غیر دولتی و رسانه ها، مانند سال های قبل تعدادی از اعضای اتحادیه های کارگری بازداشت یا بطور غیر عادلانه به دلیل فعالیت های مسالمت جویانه کماکان در حبس باقی ماندند. مهدی فرحی شاندیز، عضو کمیته پیگیری تاسیس اتحادیه های کارگری ایران، به اتهام "اهانت به رهبر" و "اختلال در نظم عمومی" دوره سه سال حبس خویش را سپری می کند. گزارش ها حاکی بود که شاندیز در زندان کرج کتک خورده و در حبس انفرادی طولانی شکنجه شده است.

دولت به بازداشت و ایذا و آزار فعالان انجمن حقوق معلمان و اتحادیه های مربوط و وابسته، همچنان ادامه می دهد. در ماه مارس رسانه ها از ادامه اعتصاب معلمان در سراسر کشور گزارش دادند که خواهان حقوق بیشتر، حق داشتن اتحادیه و آزادی فعالان حقوق معلمان بودند که در جریان اعتراضات سال 2018 زندانی شدند. در همین ماه هاشم خواستار، فعال حقوق معلمان

از مشهد که ظاهراً توسط افراد ناشناس ربوده و بعداً در یک بیمارستان روانی در حالی که با زنجیر به تختی بسته شده بود پیدا شد، از بیمارستان مرخص و بازداشت شد.

بنا به گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران، محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی پیشین انجمن صنفی معلمان که از سال ۲۰۱۷ زندانی است، حبس مرکب ۱۴ ساله خود را به اتهامات مرتبط با دفاع صلح جویانه از حقوق کارگران سپری می‌کند. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در ماه ژوئیه گزارش کرد که بهشتی لنگرودی، در اعتراض به رای غیر عادلانه، امتناع قوه قضائیه از تجدید نظر در وضعیت قانونی وی و بد رفتاری با زندانیان سیاسی، مجدداً اعتصاب غذا کرد. اسماعیل عبدی، معلم ریاضیات و دبیرکل سابق اتحادیه صنفی معلمان ایران شش سال حبس خود را به علت فعالیت برای حقوق کارگران ادامه می‌دهد. او در سال ۲۰۱۵ بازداشت شده بود و در سال ۲۰۱۶ به دلیل "تبلیغ علیه دولت" و "تبانی علیه امنیت ملی" محکوم شد. به گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران در ماه آوریل ۲۰۱۸، عبدی از زندان اوین نامه‌ای نوشت و از قوه قضائیه به دلیل "حکم‌های خودسرانه و غیرقانونی" و "موارد گسترده نقض حقوق معلمان و کارگران در ایران" انتقاد کرد. او به "مجرم شناختن اتحادیه‌های کارگری" اعتراض کرد و خواستار محاکمه علنی خود شد که تا آن زمان از آن محروم شده بود.

به گزارش رسانه‌های بین‌المللی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر رانندگان کامیون به دلیل پایین بودن دستمزد و عدم دریافت آن در طول سال دست به یک سال اعتصاب زدند. به گزارش خبرگزاری هرانا دولت دستکم ۲۶۱ راننده را در ۱۹ استان در پی اعتراض‌هایشان در ماه‌های سپتامبر و اکتبر بازداشت کرد. رانندگان به مجازات‌های سنگین تهدید شدند و دادستان کل، محمد جعفر منتظری، با صدور یک اطلاعیه عمومی اشاره کرد کسانی که اعتراضات را آغاز کرده‌اند باید به کیفر مرگ محکوم شوند. در ماه اکتبر ۲۰۱۸ اتحادیه بین‌المللی رانندگان کامیون در مورد سرکوب شدید کامیون رانان به خاطر اقدام کارگری‌شان در سراسر کشور، از جمله خطر مجازات مرگ برای سازمان دهندگان اعتصاب‌ها، ابراز نگرانی کرد.

## b – منع کار اجباری یا بیگاری

قانون کلیه انواع کار اجباری یا بیگاری را ممنوع کرده اما دولت آن قانون را موثراً اجرا نمی کند و تلاش جدی نیز برای رسیدگی به کار اجباری در طول سال به عمل نیاورد. جریمه ها به اندازه ای نبودند تا مانع از تخلفات شوند. شرایطی که نشانگر وجود کار اجباری باشد گاهی در رشته های ساختمان، کار خانگی و کشاورزی عمدتاً در میان مردان افغان و پسران نوجوان زیر ۱۸ سال به چشم می خورد. اعضای خانواده و دیگران، کودکان را مجبور به کار میکردند. همچنین نگاه کنید به گزارش وزارت امور خارجه آمریکا زیر عنوان گزارش درباره قاچاق انسان ها در این وبسایت:

<https://www.state.gov/trafficking-in-persons-report/>.

## c. منع کار کودکان و تعیین حداقل سن برای استخدام

قانون بدترین شکل کار کودکان را منع نکرده است. اما قانون اشتغال نوجوانان زیر 15 سال را ممنوع اعلام کرده و محدودیت هایی را برای کار نوجوانان زیر 18 سال قائل شده است، مانند کار در مشاغل شاق و کار در شب. این قانون شامل کار در خانه نمی شود و کار کودکان از سن ۱۲ سالگی را در کشاورزی و در برخی محل های کسب کوچک مجاز می شمارد. دولت بر قوانین مربوط به کار کودکان به اندازه کافی نظارت نداشت و اجرا نمی کرد بطوری که اشتغال کودکان به صورت یک مسئله جدی باقی ماند. جریمه های در نظر گرفته شده برای جلوگیری از موارد نقض این قانون کفایت نمیکرد.

سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ به قانون سال ۲۰۰۳ که کارگاه های دارای کمتر از ۱۰ کارگر را از مقررات کار معاف می سازد درباره خطر فزاینده استثمار اقتصادی کودکان استناد کرد و همچنین در مورد کثرت تعداد کودکانی که تحت شرایط خطرناک مانند جمع آوری زباله، کار در

کوره آجرپزی و کارگاه‌های صنعتی فاقد پوشش حفاظتی برای دستمزد بسیار اندک کار می‌کنند هشداری داد.

بر اساس گزارش‌ها تعداد زیادی از کودکان بویژه آنهایی که افغان هستند در مناطق عمده شهری دستفروشی خیابانی می‌کنند. بر اساس تخمین رسمی 60 هزار کودک آواره وجود دارند، گرچه بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری این تعداد را تا 200 هزار برآورد کرده‌اند. کمیته حقوق کودک گزارش کرد که کودکان خیابانی بویژه مورد انواع استثمار از جمله سوءاستفاده جنسی و بهره‌برداری توسط عموم و مأموران پلیس قرار می‌گرفتند. گزارش می‌شد که از وجود کودکان برای تولید فرش و آجر بهره‌برداری می‌شد و کودکان به گدائی هم‌تن می‌دادند. به گزارش خبرگزاری ایسنا، رضا قدیمی، مدیر عامل سازمان خدمات اجتماعی تهران، می‌گفت که تبه‌کاران برخی کودکان را به زور وارد دستجات تکدی می‌کردند و بررسی وضعیت ۴۰۰ کودک نشان می‌داد که ۹۰ درصد آنها دستخوش "آزار جنسی" می‌شوند. همچنین، نگاه کنید به فهرست اجناسی که توسط کار و یا کار اجباری کودکان تولید شده‌اند، وزارت کار:

<https://www.dol.gov/agencies/ilab/reports/child-labor/list-of-goods>.

#### **d. تبعیض در مورد استخدام و اشتغال**

قانون اساسی تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، معلولیت، زبان، و حیثیت اجتماعی را "منطبق با موازین اسلامی" منع می‌کند اما دولت این ممنوعیت‌ها را به گونه‌ای موثر اجرا نمی‌کند. قانون اساسی همچنین قید می‌کند که "هر کس حق دارد هر شغلی را که دوست دارد انتخاب کند به شرطی که با اسلام و منافع عموم مغایرت نداشته باشد و منافع دیگران را ضایع نکند".

## ایران

برغم مفاد قانون اساسی، دولت مستمرا می کوشید دسترسی زنان را به محل کار، محدود سازد و به همین دلیل مشارکت آن ها در بازار پایین و در حدود 16 درصد است. حقوق زنان براساس گزارش ها 41 درصد کمتر از مردان برای کار مشابه است. نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان است. رویه اشتغال غالبا تبعیض علیه زنان است و آیین نامه های وزارتخانه ها، تعاونی ها، و سایر منابع کشور همه مقرر می داشت از حیث اشتغال، باید به مردان رجحان داده شود. یک دستور در وزارت کشور مقامات را ملزم می ساخت که فقط منشی های همجنس خود را استخدام کنند.

زنان کماکان از کار در قهوه خانه ها و اجرای موسیقی همراه مردان منع می شدند ولی در مورد موسیقی سنتی استثناهای بسیار معدودی در نظر گرفته می شد. زنان در بسیاری زمینه ها از کار پس از ساعت ۹ شب منع می شدند.

گزارش ها همچنین حاکی از این است که کردها، اهوازیها، آذری ها و بلوچ ها مورد تبعیض سیاسی، اقتصادی قرار می گیرند و دسترسی محدودی به کمک های اقتصادی و فرصت های شغلی دارند. مرکز اسناد حقوق بشر ایران به نقل از مدیر سازمان رفاه اجتماعی گزارش می دهد که 60 درصد از معلولین همچنان بدون شغل اند.

### e - شرایط قابل قبول کار

نهاد دولتی "شورای عالی کار ایران" که موظف به ارائه مقررات کار است در سال 2018 موافقت کرد که حد اقل دستمزد ماهیانه 8.19 در صد بالا برود. اما براساس گزارش ها شکایاتی مطرح شد که گویا در پرتو سقوط ارزش ریال در برابر دلار آمریکا که برای تعیین نرخ اقلام

## ایران

متعدد بکار می رود، این افزایش ناچیز محسوب می شود. حداقل دستمزد در مناطق روستایی معمولاً زیر خط فقر است.

قانون حد اکثر مدت کار را شش روز یا ۴۴ ساعت در هفته با یک روز تعطیل، و دستکم 12 روز مرخصی سالانه با حقوق و چندین روز تعطیلات عمومی با حقوق تعیین کرده است. هر تعداد ساعات کار افزون بر آن، کارگر را سزاوار دریافت اضافه دستمزد می سازد و قید می کند که اضافه کاری الزامی نیست. این قانون شامل حال کارگرانی نمی شود که در کارگاه‌های کار می کنند که تعداد کارگزارانش کمتر از ۱۰ نفر است، و نیز شامل کارگرانی که شهروند ایران نیستند نمی شود.

کارفرمایان گاهی کارگران مهاجر، بیش از همه افغان‌ها، را دستخوش شرایط کار ناهنجار، از جمله دستمزد پایین‌تر از حداقل، عدم پرداخت دستمزد، اضافه کاری اجباری، و اخراج فوری از کشور می سازند بدون آن که در مدتی که مراحل اخراج آن‌ها تکمیل نشده به غذا، آب، یا نیازمندی‌های بهداشتی دسترسی داشته باشند.

به گزارش رسانه‌ها بسیاری از کارگران کماکان بر اساس قراردادهای موقت به کار گرفته می شدند که فاقد بسیاری از حمایت‌هایی است که کارگران تمام وقت غیرپیمانی از آن برخوردار هستند و همچنین کارفرما می تواند هرگاه که بخواهد آنها را بدون دلیل بیکار سازد. تعداد زیادی از کارگرانی که در کارگاه‌های کوچک یا در اقتصاد غیررسمی شاغل‌اند نیز به همان منوال فاقد حمایت‌های اساسی هستند. دستمزدهای پایین، عدم پرداخت دستمزد، فقدان ضمانت کار ناشی از رویه‌های استخدامی کماکان انگیزه عمده اعتصابات و اعتراضات بود که در طول سال رخ می داد.

طبق گزارش رسانه‌های محلی و بین‌المللی هزاران معلم، راننده کامیون و کارگران با انواع متعددی پیشینه و صنایع در سراسر کشور تجمعاتی برگزار کردند و خواستار افزایش دستمزد و

پرداخت دستمزدهای معوقه در طول سال شدند. گزارش ها حاکیست که آن اعتراض ها غالباً با واکنش خشنی از سوی نیروهای امنیتی همراه می شد که به بازداشت عده زیادی نی منجر می گردید. مقامات در طول سال با ارباب، بازداشت های نادرست و اتهامات خودسرانه فشار علیه معترضان را افزایش دادند.

در باره بازرسی کار و اجرای قانون کار کمتر اطلاعاتی وجود داشت. با وجودی که معیارهایی برای بهداشت یا ایمنی کار در قانون پیش بینی شده، دولت گاهی آن معیارها را در بخش های رسمی یا غیررسمی اجرا نمی کرد. طبق گزارش ها، کارگران توان آن را نداشتند که از وضعیت هایی که سلامت و ایمنی آنها را به خطر می اندازد اجتناب کنند بدون اینکه شغل خود را از دست بدهند.

سازمان های کارگری مدعی بودند محیط خطرناک کار هر ساله به مرگ هزاران کارگر منجر می شود. خبرگزاری کار ایران در سال 2018 به نقل از رئیس انجمن کارگران ساختمانی گزارشی منتشر کرد که براساس آن سالانه 1200 مرگ رخ می داد و 1500 نفر از ناحیه ستون فقرات مصدوم می شدند. و این در حالی است که رسانه ها مرتباً گزارش هایی از مرگ کارگران در نتیجه انفجار، نشت گاز، برق گرفتگی و سایر حوادث مشابه را اعلام می کنند.